

نامه دبیر خانه
شورای مرکزی
سازمان فداییان
خلق ایران (اکتربیت)
به کانون نویسنده‌گان
ایران در تبعید

با سلام، و یا سپاس از خدمات شما در زمینه برگزاری تظاهرات ۳۰ ماه مه به حمایت از آقای مرتضی فیروزی و علیه کیفر تبعکارانه سنگسار، بدینویسله حمایت قاطع سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را راز این حرکت دموکراتیک و انسان دوستانه اسلام می‌کنیم. کیفر سنگسار، که نسودار ددمشی بی کرکار بی فرنگان انسان سینیز حاکم بر ایران است، لکه ننگی بر دامن همه تاریخ پسری است. کیفر اعدام، کشتن انتقام‌جویانه انسانها، مبتنی بر کردن قوانین کیفری بر شرع و قصاص و انتقام، و همه آن چه غیر انسانی، غیر مستبدانه و غیر دموکراتیک است باید از قوانین کیفری زد و دشود. باشد که اقدام مشترک همه علیه تبعکاری‌های استبداد به نجات آقای مرتضی شفیروزی و به خشنی کردن نقشه‌های سرکوبکارانه دشمنان آزادی و حقوق پسر بیانجامد.

با درودهای فراوان
دبیرخانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعتراض به دعوت
جهانی علیه قوانین
ضد زن در ایران

به موریس کاپیتوون
مسئول ویژه کمیسیون حقوق
بیش سازمان ملل متعدد در رابطه
با ایران:

طبوعات که از سوی کمیسیون
نان، جوانان و خانواده به مجلس
شورای اسلامی ارائه شده بود، در
نور اول تصویب گردید و اکنون
بردم نگران تصویب آن در شور دوم
مجلس مستند. بر اساس این طرح:
(استفاده اپاری از زن در تصاویر و
محتویات، تحقیر و توهین به جنس زن و
ر غیب بد تشریفات و تجملات،
یجاد اختلاط بین زن و مرد از طریق
فاع خارج از مواردین شرعاً و

نحوی از حقوق آن» مذکور می‌شود.
بر صورت تصویر نهایی، این به
صطلاح قوانین تا حد قوانین و
حکام الهی تفسیر شده و بدین
مرتب کسی که بخواهد از حقوق
زنان دفاع کند، مشمول مجازات
بربوط به نقض احکام الهی و قوانین
مترعی خواهد شد و نیز تصویر زنان
ز مطبوعات حذف می‌گردد.
زنان ایران که تاکنون قربانیان
صلی ارجتعاج حاکم بر ایران بودند
هزاران هزار جنایت علیه آنان
حمل شده است، اکنون باز هم پیشتر
گذشته در بند رنجیر قرار
گیرند و به ویژه زنان متوجه
وشفکر به اتهام «کفر و الحاد»،
ماج شدیدترین کیفرهای ارجتعاج

وار خواندن درست.
ما زنان ایرانی در این شرایط
حشتاک، به حفاظ انسانی و
حقوقی از جامعه بشری و در رأس
ن از سازمان ملل متحد، خصوصاً
کمیسیون حقوق بشر، درخواست
نماییم که نیمی از تصورات
نهاده باشند. در این طرح،
ندامات عاجل می‌گیرند برای
بلوگری از تصویر آن به عمل آید.
کمیسیون زنان سازمان فدائیان
خلق ایران (اکتریت)، خواستار اقدام
ر چه سریع تر از سوی جنابعالی
ست.

قطع نامه سیاسی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبارزه برای جمهوریت و مردم سالاری را گسترش دهیم

نگواری را در پی داشته باشد.

در حال حاضر انجام فوری اقدامات زیر به خواست عمومی تبدیل شده است:

- ۱- برکاری فوری رئیس قوه قضائیه و تحت پیگرد قرار دادن وی و گروگونی بنیادی نظام قضائی کشور.
- ۲- لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان
- ۳- خارج نمودن نیروهای انتظامی از کنترل ولی فقیه.
- ۴- خارج نمودن شبکه صدا و سیمای جمهوری اسلامی از کنترل ولی فقیه
- ۵- لغو تمام محدودیت هایی که برای آیت الله متظری به وجود اورده اند
- ۶- انتقال بنیاد مستضعفان و سایر نهادهای مشابه به دولت.

ما از این خواست‌ها پشتیبانی می‌کنیم و تحقق آن‌ها را در جهت ضعیف جناح ارتجاعی می‌دانیم. مادولت خاتمی را به حمایت از این طباطبات و کوشش جدی در راه تحقق آن‌ها فرا می‌خوانیم. شورای برکزی سازمان فدایانی خلق ایران (اکثریت) در عین حال تاکید می‌کند بهادری شدن جمهوریت و مردم سالاری اساساً به تغیر تابع قدرت یان نهادهای مردمی و حکومت بستگی دارد. هم از این رو است که ما ر. شرایط کوتني بر خواست‌های زیر که خواست‌های مردم کشور ما هم نست، تاکید داریم و دولت آقای خاتمی را برای تحقق آن‌ها فرا می‌خوانیم.

۱- آزادی زندانیان سیاسی و تأمین شرایط بازگشت آزادانه ایرانیان خارج از کشور به میهن

۲- رفع هرگونه محدودیت در زمینه آزادی بیان، قلم و آفرینش‌های شری

۳- تأمین شرایط فعالیت آزادانه احزاب سیاسی

۴- برداشتن موانع موجود در راه ایجاد تشکلهای مستقل، کارگری،

اشن جویی، زنان، جوانان و سایر تشکل‌های دموکراتیک و صنفی
۵- برگزاری آزادانه انتخابات شوراهای

- ۲- حمایت و دفاع اتحادیه از اصل برابری زن و مرد و دوستی در راه حق مطالبات زنان ایران
- ۳- منع تجاوز به حریم زندگی خصوصی شهروندان، انجام اشغال لادرنگ اداره منکرات، دستیجات «انصار حزب الله» و تحت پیگرد رار دادن گردانندگان آنها
- ۴- پایان دادن به سیاست سرکوب مردم کردستان و فراهم آوردن سوابط برای تحقق خواسته های ملی مردم کردستان و دیگر اقلیت های لی کشور و رفع هرگونه محدودیت از اقلیت های مذهبی
- ۵- انجام شورای نگرانی
- ۶- انجام شورای نیروهای چپ، دموکرات و آزادی خواه کشور را بد مبارزه در ما همه نیروهایی که، حقوق انسان را خواهند بسیج کردند
- ۷- اه تحقق خواسته های فوق فرا می خوانیم.
- ۸- شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دیبهشت ۱۳۷۷

ن فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اسلامی علیه زنان است

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از دولت
جمهوری اسلامی مصراً می‌خواهد که علی توسلی را به فوریت آزاد
نمود. شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
اردیبهشت ۱۳۷۷

فیروزی رالغو کنید!

کشتیت)۔ آلمان، سورای مبستگی با مبارزات مردم ایران - اشتونگارت، فعالین ازمان فدائیان (اقلیت) آلمان، رهنگسرای اندیشه- گوتبرگ (سوئد)، کارگاه شعر و سده - فرانکفورت، کارگاه هنر و رهنگ پویا - فرانکفورت، اانون پناهندگان سیاسی ایران - برلین، کانون سیاسی - هنگ ایرانیان - فرانکفورت، اانون فرهنگی و هنری ایرانیان (الموا)، کانون مستقل سیاسی ایرانیان - لایپزیک، کانون دادیانیان سیاسی ایران در تبعید، بهتیه تعقیب شدگان و زندانیان

قطعه نامه اجلاس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) لواح مصوب مجلس شورای اسلامی علیه زنان است

جناب انصار طلب حکومت اسلامی برای مقابله با مبارزه زنان علیه
واعتنی ارتاجاعی و کسب پر ابر حقوقی با مردان و در تداوم اقدامات
رجاعی خود بر علیه زنان کشور، لایحه جداسازی جنسی در زمینه
خدمات پزشکی، حذف چهره زنان از مطبوعات و منع دفاع از حقوق
زن را به تصویب مجلس شورای اسلامی رسانده است.

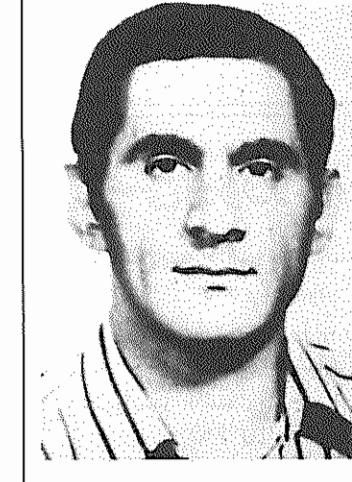
قطعه نامه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعتراض به ادامه بازداشت علی توسلی

شورای مرکزی سازمان فدایان خلق ایران (اکشیت) نگرانی و
اعتراض عميق خود را نسبت به ادامه روند بازداشت رفیق علی توسلی
ضو ساقی کمیته مرکزی سازمان اعلام می‌دارد.
اکنون نزدیک به سه سال است که رفیق علی توسلی از شهر باکو
ایتحت جمهوری آذربایجان ریوود شده و در زندان‌های جمهوری
سلامی است. در این مدت هیچ‌گونه اطلاعی از سرنوشت او توسط

حکم سنگسار مرتضی فیروزی را الغو کنید!

ادامه از صفحه اول احزاب، سازمان‌ها و نهادهای موکرایتیک زیر تا روز یکشنبه، فراخوان تظاهرات روپروری شفارت ایران در شهر بن در کلان پاسخ داده‌اند: کانون توییندگان ایران در بعيد، تلاش کانون حمایت از باربراز مسدود ایران - کلن، کانون حمایت از زندانیان سیاسی ایران - آخون، جمعیت دفاع از ایران (راه کارگر)، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران، شورایی دموکراتیک ایرانیان (سوئیس)، شورای دفاع از جنبش، شورای ممانعکی ایرانیان - هامبورگ، شورای مکوکرایتیک ایرانیان - آخون،

دھمین سالگرد شہادت رفیق انوشیروان لط甫ی



ده سال پیش در
خورداد ۱۳۶۷
جمهوری اسلامی رفیق
آنوشیروان لطفی،
عضو کمیته مرکزی
سازمان ملی تیرباران
کرد. اعدام آنוש،
سرآغاز اعدام‌های
دسته‌جمعی سال ۶۷
بود. یاد و نام
آنوشیروان لطفی را
گرامی می‌داریم و
مبارزه برای
آرمان‌های او، آزادی
و سوسیالیسم، را
همچنان پی
می‌گیریم.

یادداشت

کوهی از انتظارات بر دوش
فوتبالیست‌های تیم ملی!

کنیت صعود تم ملی فوتبال ایران به جام جهانی و عکس العمل بی سابقه‌ای که مردم ایران در هشتم اذر سال جاری از خود نشان دادند، حضور فوتبال ایران در جام جهانی را بدین معنای داشت. شکست سخت ایران در مسابقه با تیم آلمان، رم ایتالیا که به تعریف سرمی تهم در فاصله کمتر از بیست روزه به آغاز مسابقات انجامید، ضربه بیرونی بود که بر انتظارات مردم ایران وارد آمد. این شکست این پرسش را مطرح ساخت که انتظارات از فوتبال ایران تاچه اندازه واقعی است؟ ورزش‌ها، صدا و سیمای جمهوری اسلامی و گروهی از مسئولین، با تبلیغات غیر واقعی انتظاراتی را در مردم ایجاد کردنداند که به هیچ وجه با توان فوتبال ایران مناسب نیست و فشارهای سنگینی را بر تیم ملی فوتبال ایران، بازیگران، مردمیان آن وارد می‌آورد. این فشارها باعث شده‌است که فوتبال ایران در شرایطی غیرعادی و زیر فشاری خود کننده به تدارک جام جهانی برود. تبلیغات رسانه‌ها و مسئولان چنان بر انتظارات دمیده است و چنان تصویر غیر واقعی از فوتبال ایران را نهاده می‌کند، که از هم اکنون می‌توان پیش‌بینی کرد عدم صعود تمیز ایران به مرحله دوم مسابقات جه فضای روانی ناظم‌نظری را در ایران رقم خواهد‌زد. مسابقه ایران و آمریکا را به یک مصاف ملی تبدیل کرده‌اند و چنان در مورد آن نوشته‌اند و گفت‌اند که انگار همه حیثیت و مقابله ایران به پرورد این مسابقه پستگی یافته است. این فشارها که امروز بر فوتبالیست‌ها وارد می‌آید، بدون تردید فردا همه جانبدار ایران را در خود فرو خواهد برد.

آرزوی هر ایرانی، دست پایی به موقعت‌های هر چه بیشتر فوتبالیست‌های ایران در جام جهانی فراخواسته است، اما بین آرزو تا واقعیت، در این مورد فاصله عصی‌وجود دارد. در پس صعود معجزه‌آسای تیم ملی ایران به جام جهانی و تبلیغاتی که پیرامون قدرت ایران و حضور آن در جام جهانی به راه اندخته‌اند، بسیاری می‌کوشند تا ضعف‌های بزرگ فوتبال ایران را پنهان کنند. واقعیت این است که فوتبال ایران در سطح جهان، حتی یک فوتیل درجه دوم هم نیست و مقابله آن با فوتبال کشورهایی مثل آلمان و پوگلساوی و حتی آمریکا که یکی از قدرت‌ترین سازمان‌ها و تدارکات را برای جام جهانی ایجاد کرده است، بسیار غیر واقعی است. ضعف فوتبال ایران ناشی از سیاست‌هایی است که در بیست ساله گذشته بر فوتبال ایران حاکم بوده است.

پس بیشتر است واقعی بیندیشیم، فوتبال ایران نمی‌تواند آزاد و رهاز ضعف‌هایی که بیست سال است با آن ها دست به گیریان است، به میدان بجهانی بپرورد. باید از انتظارات کاست و همان قدر از فوتبالیست‌های ایرانی خواست که در توان آن‌ها و متنبی با سطح فوتبال ماست. به جای فشار بر فوتبالیست‌ها باید در فری اکن بود که انسان سازمان فوتبال ایران بر پایه‌ای مدنرن و امروزی قرار گیرد.

آزادی برای ایران!

حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی فرانسه، از لحاظ دیگری نیز مورد توجه است. سپاریا این حضور را نشانه پیوند و پویار ایران با جامجهانی می‌داند و از همین زاوية برای آن اهمیت قائلند. ایران برای نخستین بار بعد از سالیان دراز فرست پیغمه است تا در یک رویداد جهانی حضور یابد، حضوری که با ترویسم، با شکرجه و اعدام و با سایر سیاستهایی که سالیان درازی معرف حضور ایران و حکومت جمهوری اسلامی در روی دادهای جهانی بوده است، همراه نیست. تیم ملی فوتبال ایران قبل از آن که ویش از آن که نایدند، حکومت و رژیم حاکم بر ایران پایاشد، نایدند، کشور ایران در برگ ترین روی داد ورزشی قرن خواهد بود و پرسش این است که این حضور چگونه حضوری خواهد بود؟ ایران خود را در پر ابر جهان چگونه به نمایش خواهد گذاشت؟

از هم اکنون پیداست و همه شوادران نیز این را نشان می‌دهد که حکومت جمهوری اسلامی می‌خواهد این حضور را به تام خود تمام کند و با استفاده از این فرست استثنایی، به تبلیغ حکومت خود در میان هزاران ایرانی که به فرانسه می‌روند و می‌بیشند مسابقات جام جهانی بپردازد. از سوی دیگر خبر می‌رسد که گروه‌های انحصار طلب اپوزیسیون، با استفاده از امکانات مالی فراوانی که در اختیار دارند، تمهیلات گسترده‌ای را ایجاد کردند تا ایرانیان مشتاق به تمایل مسابقات

خواسته موقیعیت منابی است تا جهان را با اساسی ترین خواسته امروز مردم ایران، بیشتر اشنا کیم؛ آزادی برای ایران یا پیشنهاد ما به همه ازادی گروههای سیاسی دموکرات این است که با قدراتی همانگی در جریان حام چهانی فوتیال و به ویژه در مسابقات تیم ملی ایران، این خواسته اساسی مردم ایران را به طور یک پارچه مورده تأکید قرار دهند و به شکالی که امکان پذیر است، آن را بر انتخاباتی تبلویزیون ها ببرند و به گوش چهانیان و از جمله مردم خود ایران برسانند.

پکرشیم تا با اقداماتی مشترک، خسرو تم ملی فوتیال ایران در فرانسه را با خواسته اساسی مردم ایران، آزادی، همراه سازیم! ■

چند میلیون کودک در ایران به کار مشغولند؟



سال در ایران غیر قانونی است،
اما میلیون ها کودک در ایران بد
اجبار کار می کنند. فقر
اقتصادی آنان را ووشه بازار
وحشی و بیرحم کار می سازد.
و کودکانی که کار می کنند از
امکانات آموزشی نیز
محرومند، میلیون ها کودک در
ایران از امکانات آموزشی
محرومند. وزارت آموزش و
پژوهش در سال ۷۵ اعلام کرد
که ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار کودک
و نوجوان از امکانات آموزشی
محرومند.

و این است وضعيت دو
مشخصه اساسی حقوق کودک
در جمهوری اسلامی ایران!

عوامل خامنه‌ای در اصفهان رعب و وحشت...

اسائه ادب به آیت الله طاهري
امام جمعه، وزیر کشور و
استاندار و نیز ارزش های انقلاب
اسلامي تبدیل گردند.

یک هفته بعد از حوادث اصفهان، احمد متظری در گفتگوی کوتاه تلفنی اعلام کرد کنترل مکالمات تلفنی فرزندان آیت الله متظری و جلوگیری از تماس تلفنی خبرنگاران بر محدودیتها افزوده شده است. روز جمعه اول خرداد ۵۰ تن از شخصیت‌های سیاسی و سرشناس کشور که عمدتاً عضو نهضت آزادی ایران هستند با ارسال نامه به خانمی از وی خواستند برای رفع محدودیت‌های آیت الله متظری، اقدام کند.

حدود یکصد نفر از شرکت کنندگان در سختترین هنگام بازگشت از داشتگان در تغایر پولار کشاورز و خیابان امیرآباد توسعه های استثنایی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

این عدد بس از ترک دانشگاه همچنان در حال سدادن شغارهای بودند که مورد تهاجم افراد نیروی انتظامی که با ساتمه، کلاه خود و سپر در محل حضور داشتند، قرار گرفتند. تعدادی از این افراد نیز درستگیر شدند.

«کودکان از حقوق خود آگاهی ندارند، کمتر ایجاد مزاحمت می‌کنند و بیشتر حرف شنوی دارند. بدون شکایت به کارهای یک نواخت تن می‌دهند، نسبت به کارگران بزرگسال قابل اعتمادتر می‌شوند و احتمال دزدی از سوی آسان سیار کمتر است، به این دلایل کارفروما ترجیح می‌دهد کوکدان را به کار بگمارد».

این‌ها سخان کارشناس تنظیم کار وزارت کار و امور اجتماعی است. او در میان دلایل خود، یک دلیل اساسی را فراموش کرده است. کارفرمایان به کوکدان کارگر حقوق پسیار ناچیزی

می‌دهند... کسی نمی‌داند در ایران چند کوک خردسال به کار مشغولند. کارشناس وزرات کار می‌گوید: تعداد بازرسان ما بسیار کم است و امکان نظارت و کنترل نداریم. آمارها می‌گویند از نه میلیون و هشتاد هزار کوک بین ۶ تا ۱۵ سال، یک میلیون و نهصد هزار از امکانات اموزشی محروم هستند، این‌ها کوکدان کارگر هستند، به آسان باید گروههای شماری را افزود که هم درس می‌خوانند و هم کار می‌کنند. همین آمار، تعداد کوکدان کارگر ۷۵۰ تا ۱۴ ساله را حدود ۷۵ هزار نفر می‌دانند. کار کوکدان پایین‌تر از ۱۵

تظاهرات طرفداران منظیر شوند، خامنه‌ای در این پیام آیت‌الله مستظری را «عامل بیگانه» و پیروان وی را «عوامل صهیونیست و استکباری» خواند. روز جمعه مطابق فرمان خامنه‌ای انصار حزب‌الله و سیستانیان در حمایت پاسداران و نیروهای ضد شورش از گوشش و کنار گرد هم آمدند و خیابان‌های اصفهان و محل نماز جمعه را که با امامت قاضی عسگر برگزار شد، قرق کردند. شعار حزب‌الله، همانطور که خامنه‌ای خواسته بود، همه علیه منتظری، آیت‌الله طاهری و علیه کسانی بود که به مخالفت با ولایت فقید و استبداد فقاوتی برخواستند.

به دنبال یورش حزب‌الله به نماز جمعه، در حوزه علمی، مجلس و میان نمایندگان اصفهان اختلافات علی‌تر شد. دسته‌ای در حمایت از اقدام خامنه‌ای و دسته‌ای دیگر در رد آن نظر دادند. عبدالرحمان تاج‌الدین یکی از نمایندگان اصفهان در مجلس شورای اسلامی نظر مخالفان را چنین بیان کرد: عده‌ای... ساخت مقدس نماز جمعه؛ ایه میدانی، بای

ایران پر کارکار اور شدند.
دانشجویان در شعارهای خود
حصار ظلیبان و مستبدین را مسح کردند. برخی از شعارهای مردم در
شگاه تهران چنین بودند:
روزنامه مردمی حمایت می کنند، از
ست قانون شکن حمایت می کنند!
حضور دانشجویان در این همایش
نشجو دانشجو، اتحاد اتحاد؛ دوم خرداد
، اتمام حجت ماست، تداوم انصراف
رد نفرت ماست! خشونت و تحریر،
محل سخنانی آمدند.

فرداد است.
وی با اشاره به روال انتخاب عضای مجلس خبرگان، رهبر یا شورای رهبری اظهار داشت: تا مانی که خمینی در قید حیات سود مجلس خبرگان را با آن شرایطی که انتخاب می‌شد، قبول نشود. این اکنون معقدند مجلس خبرگان در انحصار روحانیون پیست و همه صفوپاید در این مجلس، خبرگان خود را داشته باشند. وی باره مرجمیت خامنه‌ای ازود: «ما الان رهبر داریم و نه مرجع تقیلی. شاید مرتعج تقیلی با رهبری فرق دارد.»
محمدی تاکید کرد باید برای تأمین دموکراسی و تامین منافع ملی در قانون اساسی اصلاحاتی نجام گیرد.
تظاهرات پارک لاله قرار بود و فتحه پیش برایر دانشگاه تهران برگزار شود. اما وزارت کشور برپایی این تظاهرات موافقت نکرد و اعضای رهبری تحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان تصمیم گرفتند تظاهرات را در داخل دانشگاه برگزار کنند. تظاهرات در داخل دانشگاه نیز با دخالت خامنه‌ای غور شد و وی شخصاً به دانشگاه رفت و در اجتماع دانشجویان سخنرانی کرد. خامنه‌ای به دانشجویان گفت: «یشب من طلاع بیدار کردم که امروز چند گروه دانشجویی بنا دارند جمیعت‌های درست کنند و سخنرانی نمایند. گفتم، از آنها خواهش شود که امروز تا خیر

بیندازند و اجتماع نداشته باشند.
تاماً پتوانیم این برنامه را انجام بدهی، بیمام دادند، آنها هم برپایه اینهاشان را تعطیل کردند.»
خامنه‌ای به داشنگاه را توضیح نداد چرا عمدتاً زمانی را برای حضور در دانشگاه انتخاب کرد که گروه دیگری قصد داشتند به بحث شوراهای و مجلس خبرگان رهبری پیدا زند.
ببحث اختیارات رهبری
مدت‌هast که در درون نیروهای حکومتی مطرح است. نگرانی خامنه‌ای آن است که طرح این بحث در استانه پسرگزاری انتخابات مجلس خبرگان موقعیت او را بیش از پیش در میان مردم و دانشجویان تضعیف کند و نیروی طرفدار تغیر در قانون اساسی و اختیارات رهبری تقویت شود.
انتخابات مجلس خبرگان قرار است ۱۷ مهر ماه سال جاری برگزار شود. ثبت نام کاندیداهای از نیمه مرداد آغاز خواهد شد. در این مجلس ۸۰ روحانی عضویت دارند و آنان مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌توانند درباره رهبر یا شورای رهبری و حدود اختیارات آن تصمیم بگیرند. در این میان نقش شورای تکه‌هایان در تعیین ترکیب اعضاي خبرگان سیار مهم است.
اگر نظرارت استصوابی شورایی نگهبان بر انتخابات لغو شود، طرفداران خاتمی از امکانات پیشتری برای تاثیرگذاری برخوردار خواهند شد. □

اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی اعلام کرد که بعداز ظهر روز دوشنبه چهارم خرداد در پارک لاله - ضلع جنوبی فلکه آب‌نمای تظاهرات برگزار خواهند کرد. موضوع تظاهرات: «شوراها و بررسی قانون خبرگان رهبری» است. در این تظاهرات قرار است حشمت‌الله طبرزی رهبر

دیرکل اتحادیه‌های اسلامی دانشجویان و دانش آموختگان: رایزنی‌ها برای تشکیل جبهه

متحد دانشجویی آغاز شده است

حشمت‌الله طبرزی دیر کل انجمان‌های اسلامی دانشجویان و دانش‌آموختگان به روزنامه جامعه گفت این اتحادیه در صدد تشکیل جبهه متحد دانشجویی است. طبرزی گفت: ضرورت تشکیل جبهه‌ای متعدد از طرف احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی در شرایط کنونی احساس می‌شود، لکن در حوزه احزاب این ضرورت جایگاه خود را پیدا نکرده است. طبرزی گفت: در حال حاضر در حوزه تشكیل‌های دانشجویی شرایط برای تشکیل یک جبهه متعدد مساعدتر است. وی افزود: اختلاف گروه‌های دانشجویی در حال حاضر در حد رایزنی است و این اتحادیه با چند تشكیل فعال دانشجویی که گرایش‌هایی مبتداشتگی دارند، مشغول رایزنی است. طبرزی به نام این چند تشكیل اشاره‌ای نکرد.

طبرزی دیر امون شرایط سیاسی کشور گفت: اگر ما از حقوق قانونی خود، مطابقات مستقل و گروه‌های مدنی حمایت نکنیم، این نگرانی وجود دارد که گروه‌های انحصار طلب، جامعه را به موقعیت قبلی خود بازگردانند. وی افزود: تجربه تاریخی نشان داده است که اگر گروه‌های اصلاح طلب تصمیم قاطع نگیرند، گروه‌های استبداد طلب رجعت می‌کنند.

خاتمی: مردم خواستار

با قدرت هستند و با راه و کار
قدرت آشنای دارند و با آن
موافقند، آزاد باشند، نمی توان
گفت که آزادی وجود دارد. وی
افزود: هر حکومت این نیست که
مخالف خود را از صحنه خارج
کند بلکه هنر آنست که مخالف را
را در این رعایت قانون کند.
رئیس جمهور تصریح کرد: دولت
حق دارد از شهروندان بخواهد که
در چارچوب قانون اعمال نظر
کنند مردم نیز باید در چارچوب
قانون ازادیها بروخود را از دولت
بخواهند.

رئیس جمهور گفت: دو گروه
هستند که ممکن است به آزادی
مطلوب و مشروع طمده وارد
سازند، کسانیکه با نفس آزادی
مخالفند و کسانیکه به علت
وابستگی و عدم درک صحیح
واقعیتها رفریت و شخصیت
بپیره برداری از آزادی را ندارند.
آقای خاتمی افزود: این گروهها
بدچال استفاده از آزادی در
مسیر رشد جامعه از آزادی
به گونه ای بپیره برداری می کنند که
بیش از اینکه مردم از آزادی
منتفع شوند دشمن از ازادیها
استفاده می کنند.

آقای خاتمی با اشاره به اینکه
تحمل و سعد صدر دولت نشانه
ضعف نیست بلکه نشانه اقتدار
است گفت: دولت مقدار دولتی
نیست که مخالف خود را سرکوب
نماید، بلکه دولت مقید، اما است

برای حاکمیت انسان بوسرونوشت خود حق قائل شده است و هم آزادیهای اساسی ضریب نخورده است. رئیس جمهور با اشاره به اینکه دین و آزادی تاثیر متقابل عظیمی بر یکدیگر دارند، گفت: امروز زمان ثبتیت آزادی و نهادینه کردن آزادی در جامعه است، آزادی با هرج و مرچ فرق دارد، آزادی غیر از ولنگاری اخلاقی و معنوی است، تلقی ما از آزادی رعایت موازین اخلاقی و معنوی است. وی خاطر نشان کرد: هیچ نظام و مکتبی نیست که برای آزادی حدی قائل نشود در نظام مظلوب و مورد تأیید مردم ماحده آزادی مخالفت با حقوق عمومی و اخلاق در مبانی اسلامی است. آقای خاتمی تاکید کرد: واقعیتهای موجود نشان می‌دهد که حتی باشد آزادیها در کشور رعایت موازین اسلامی را بکنند زیرا اکثریت مردم مسلمانند و به نظام اسلامی رای دادند و حول محور رهبری، نهادها و ارگانهای دیگر شکل می‌گیرند. رئیس جمهور یادآور شد: آقای خاتمی با اشاره به اینکه ما آزادی را در چارچوب قانون می‌خواهیم گفت: مراد از آزادی هرج و مرچ نیست بلکه آزادی اندیشه و امنیت، ابراز آن و آزادی سیاسی در جامعه است. وی افزود: اندیشه را به هیچ وجه نمی‌توان از بین برد و یا با فرمان و بخشنامه آن را محدود کرد، ولی می‌توان جلوی ابراز اندیشه را گرفت. رئیس جمهور گفت: هر چه که جلوی اندیشه گرفته شود اندیشه درنهان به فعالیت می‌پردازد و کار خود را به پیش می‌برد. وی خاطر نشان کرد: پویاترین نظام، نظامی است که کمترین محدودیت را برای ابراز اندیشه اعمال کند. آقای خاتمی منظور از آزادی را آزادی مخالف دانست و گفت: اگر همه کسانی که

۱۲۵ روزنامه‌نگار از فرمانده سپاه توضیح خواستند

از آن سال‌ها

از ۲۷ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۳۵۸

کیهان

ایام خمینی در دیدار با ائمه امام

شاه بختیار و شریف امامی
پایدگشته شوند

کیهان ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

دانشجویان پیشگام تبریز خواهان دمکراتیک بودند شوراها هستند سدنشیه گذشته دانشجویان پیشگام داشتگاه تبریز به دنبال تشكیل مسئله شورای دانشگاهی طی جلسه‌ی قطعنامه‌هایی صادر کردند.

در این قطعنامه آمده است که دانشجویان پیشگام، معتقد به دمکراتیک بودن شوراهاستند و از انجاییک طرح دانشجویان مسلمان را که قیام اراده شده و در آن به حقوقشان به طور یکسان توجه نشده است و علاوه بر آن قدرت تصمیم‌گیری را عالم‌بده دست کادر علمی سپرده است اعلام کردند که:

- ۱- مخواستار شرکت فعالانه گروه‌های مختلف فکری دانشجویان در شورای دانشگاهی می‌باشند.
- ۲- مخواهان شرکت دانشجویان و کارکنان کادر علمی به طور مساوی در شورای دانشگاهیم.

کیهان ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۸

امام خمینی در دیدار با طبقات مختلف مردم از آن طرف مزه‌ها پسول می‌آید و بین کارگرها تقسیم می‌شود اینها بین اقتدار ملت در اطراف مملکت آشوب می‌کنند و در صدد اختلاف انداختن هستند، عمال خارجی هستند. عمال آمریکا هستند، جیره‌خوار آنها هستند. از آن طرف مزه‌ها پسول می‌آید پیش اینها و اینها بین کارگرها تقسیم می‌کنند که کار نکنند. کار نکنید که کارخانه‌ها راه نیافتد. یکشاورزها را مانع می‌شوند از اینکه به شغل خودشان ادامه دهند. کیهان ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۸

صدمین زادروز دکتر مصدق باشکوه هر چه تماق برگزار شد

بعد از ظهر دیروز دها هزار تن از مردم تهران دعوت چیه دمکراتیک ملی ایران را به مناسبت سالروز تولد دکتر محمد مصدق اجابت کردند و در داشتگاه صنعتی شریف واقعی گردیدند.

پیام سازمان چریک‌های فدای خلق از آن لاعمه آمده است: صادر کرد. در این لاعمه آمده است:

امروز یکصدمین سالگرد خاطرات مبارزات آزادی خواهانه و استقلال طبلانه او را زیاد نخواهد برد. نام مصدق همیشه برای مبارزان و انقلابیون ایران گرامی است. مصدق آزاده‌ای بود که هرگز از بخورد اراده‌اندیش‌ها نهاید و در تمام طول زندگی مبارزاتی، عشق خود را به آزادی اندیش، آزادی فعالیت‌های سیاسی، آزادی مطبوعات و آزادی بیان که ضامن آگاهی توده‌ها و استقلال میهن است نشان داد.

کیهان ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸

یاد شهدای راه آزادی و استقلال وطن راگوامی داریم به مناسبت سالگرد و شهادت چریک‌های فدای خلق رحمت پیرو نذیری که در پنجم خرداد سال ۵۰ به درجه شهادت رسیده است. مجلس یادبود آن زنده بیان در شیستان شماره یک واقع در پیش زهر از ساعت ۱۱ تا ۱۲ روز جمعه ۵/۸ برگزار می‌گردد. خانواده پیرو نذیری کیهان ۱۳۵۸

کیهان

ایام خمینی از اعضا تجربه

کیهان امور وزیریت کارگران و کارکنان منتشر شد

پیشنهاد ایجاد انتظامی

پیشنهاد ایجاد انت

بازسازی یک اسطوره

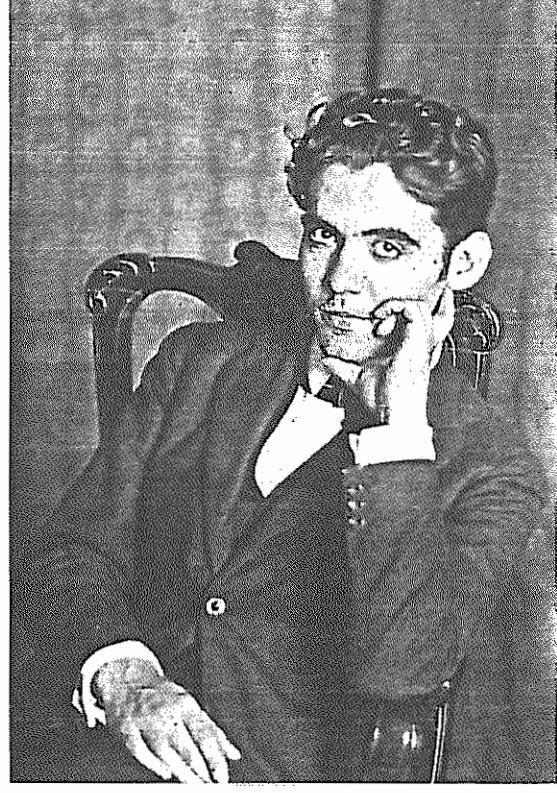
هماداودی

صدھین سال تولد فُدریکو گارسیا لورکا

بہار۔ ع

خوبیشان خود، از تسامی
تلقیویزیون، غذای بد یا بازی در
جیباط بند و یا گفت و گوهای
پنهانی با دیگر زندانیان حرف
می‌زنند، آن هم با جزئیات تا
تو توانسته باشند، شونده را قانع
کردند بد باشند، جز این رخدادها، هیچ
چیز دیگری در این زندان روی
نیاز نداشت. آنانی نیز که زیان به
بازارگویی روایت گشوده اند
که گمان نتوانسته اند روی داد
اصلی را روایت کنند. بیاننامی
کامل این فاجعه پایانی سده
بیستم، در گرو بازارگویی همه
قریبایان و امادگی روانی برای
روایت گر است تا دریابد در
روایت و بازنمای آن فاجعه،
اینک و ایندۀ چنین سرنوشتی
درباره در برای او قرار ندارد.

طی چند سال اخیر کتاب‌های خاطرات زندان، از سوی زندانیان سیاسی که سالانی را در زندان‌های جمهوری اسلامی گذراندند، در برون مرز انتشار یافته است. زنان به ویژه در این حوزه فعالیت چشمگیری داشته‌اند که تحسین برانگیز بوده است. «یک حقیقت ساده» نمونه بسی بدیل ادبیات زندان است. متأسفانه تاکنون آن چنان که باید، ادبیات زندان در زبان فارسی موردن توجه قرار نگرفته است. این نوشان، نگاهی گذرا به شیوه خاطره نویسی، به ویژه خاطره‌های زندان و سرکوب‌های جمهوری اسلامی می‌باشد. نگاهی از دیدگاه ادبی به متن این خاطرات.



ست. راجع به گاوابازی از من
مشنوار کردی که احتمالاً یکی از
شئون ترین ارزش‌های شاعرانه و
اساسی اسپانیاست. سوردی که
ویستندگان و شاعران از آن به
درورت استفاده کردند. علت اش
نمایم آموزش اشتباہی است که
اشتباهاند. آموزش که انسان‌های
سلسل من برای اولین بار آن را بد
نیانداری نهادند. من معتقد هستم که
گاوابازی یک جشن بسیار
رنگنگی است که امروزه در جهان
جود دارد. درامی ناب است که
رآن با هترین اشکها و
شدمهای یک اسپانیایی جاری
گردد. هیجان گاوابازی تنها
نیایی است که در آن با اطمینان
می‌توان نظره گرفت مرگی شد که
وسط زیبایی درخشندگانی
حاطه شده است. چه بربهار
اسپانیا، خون و زبان ما خواهد
گذاشت اگر که شود. صلح

چیزی خوب به من از اسپانیا بیاید
نژدیک تر است. من اسپانیا را
می‌سرایم و آن را تا مغز
استخوان احساس می‌کنم، اما
بیشتر از همه یک انسان این
جهانی و برادر همه هستم. به
همین خاطر هم من مرزهای
سیاسی را باور ندارم

لورکای عزیز، می خواهم
راجح بودو چیز از تو سوال کنم و
فکر می کنم که در اسپانیا خیلی با
ارزش هستند یکی از کولی ها
و دیگری گاو بازی. از نظر من در
اواز کولی ها یک اشکال جیج و جود
دارد و آن هم این است که آنها در
ایات شان همیشه از مادرشان یاد
می کنند و اسمی از پدر نمی برند.
این مسئله از نظر من عادلانه
نیست. شوخی به چای خود. فکر
می کنم که این اوزارها بزرگ ترین
مشتقت از هنر هست: ما

مسی شوند تا خاندام را به
ستاره‌ها منتقل کنم

□ ای شاعر عزیز از سوال
که کاریگاناتوریست تعجب
مکن. همان طور که می دانی من
وجودی هستم با پرهای زیاد و
عنتقدی کم، وحشی و با جسمی
ردپذیر. و به خاطر داشته باش
که جان مایه تمامی ساز و برق
راژیک زندگی در بیت شعری
هفته است که والدین من همیشه
ن را مزمه مسی کردند. فکر
می کنی که در مقایسه با
امونوت سکا^{ای} خوشین حق با
کالبدرون دلا بارکا^{ای} است که
نگفته است: تولد یافتن / و این
ست بزرگ ترین گناه انسان.

سؤالات تو اصلاً مایه
بعجب من نیست. تو خودت به
معنای واقعی کلمه شاعر هستی،
پراکه همیشه انگشت روی
لرخ می‌گذاری. من خیلی ساده و
پروردیده تو پاسخ مسی گوییم و
مگر جوابم درست نبود و به لکت
انتقادم، به حساب بسی اطلاعی ام
گذاشتند. پرهای وحشی تو پرهای
که فرشته هستند و در پشت
ترسب آهنگی که رقص غریب تو
ارایتم مسی ددد بربطی جای
ارد، از آن گونه که ایتالیایی های
استان رسم می‌گردند.
تووش بینی متعلق به جان هایی
ست که تنها یک بُعد داشته و
میل اشکی که پیرامون نان را فرا
گرفته است رانی بینند، سیلی که
نشتا آن همه آن چیزهایی است
نه باید در مانشان نمود.

لینجا خواهان دیدار مردانی هستم که آوازی سخت دارند
مردانی که هیون را می‌کنند و به رودخانه‌ها ظفر می‌یابند
مردانی که استخوان هاشان به صدر درمی‌آید
و با دهان پر از خورشید و چخماق می‌خواهند
خواستار دیدار آنامه هست

در برابر لین پیکری که عنان گستته است

مشهور ترین شاعر قرن بیست
اسپانیا، فدریکو گارسیا لورکا به
تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۹۸ می‌شود. هم سال تولد و هم سال
مرگ لورکا، از سال‌های مهم
تاریخ اسپانیاست. از دست دادن
آخرین مستعمرات اسپانیا در
سال ۱۸۹۸، باعث شد تا نظم
اجتماعی موجود مورد سؤال
قرار گرفته و به قطب‌بندی در
جامعه بی‌انجامد، که در سال
۱۹۴۶ به جنگ داخلی منجر

این کشتاران از کشتگان پوشیده می‌گردند، لورکای ۲۸ ساله دریافتہ بود که اسپانیا در آستانه یک تراژدی قرار گرفته است. او در اوج معروفیت خود، نمی‌دانست که خود یکی از اولین قربانیان این تراژدی خواهد بود. لورکای بدون آن که عضو سر زبانی باشد، شاعری سیاسی و عمیقاً مردمی بود. در پیامی که به مناسبت اول ماه مه (۱۹۳۶) برای کارگران فرستاد، نوشت:

از حمیم قلب به همه کارگران
اسپانیا، که در این روز میهم ترین
خواسته‌شان یعنی جامدادی
عادلانه، آن‌ها را به هم پیوند
می‌دهد، درود می‌فرستم.
پس از استقرار جمهوری در
اسپانیا (۱۹۳۱)، او به عنوان
کارگر دان گروه تئاتر نوینیاد «لا
پاراکا» که در چارچوب
اصلاحات فرهنگی به نفع
توده‌های مردم، ایجاد شده بود از
هنر تئاتر برای پیشبرد اهداف این
اصلاحات استفاده نمود. او خود
می‌گوید: تئاتر شعری است که از
کتاب رسمی خیزد و انسانی
می‌شود. لورکا استعداد
خارجی‌العادی داشت و در کنتر
شیوه تئاتر به نفع هم‌دانگ

سرو و سر، به سری سی هم مسلط بود. او فریانیست ماهری بود، آواز می خواند، گیتار می نواخت و نقاشی هم می کرد. در عالیهای حکومت فرانکو، فاشیست های بیهوده سعی بسیار نمودند تا یاد و خاطره شاعری که در زمان حیات اش معروفیت جهانی یافته بود را از بنرینت. قتل او توسط فالاتریست ها در اندلس به هنگام آغاز جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶)، دنیای ادبی داخل و خارج از اسپانیا را دچار شوک نمود و او به سمبول آزاداندیشی تبدیل گردید که توسط فاشیسم به خون کشیده شد.

ادامه از صفحه ۵
سنگین در رم را محصول
توطنه مشترک بازیگران علیه
خود خواند.

پس از شکست در رم و اخراج
ایویچ، ناصر نو آموز مدیر
تیم های فوتبال ایران در
گفتگویی با خبرنگاران گفت:
اخراج ایویچ از سوی من صورت
گرفت. ایویچ همه تصمیمات را
بدون مشورت با من و کمک
مریبان اتخاذ می کرد و مسئولیت
این شکست سنگین به عهده
اوست. ما فقط یک ماه تا آغاز

پدرود پاگاریا، زمانی که به
بلدهات با گل ها و حیوانات و
و دخانهایش برگشتی، به
وستانت بگو که به سفرهای
از زمان قیمت اعتماد نکرده و به
شهر خلیان سرازیر نشوند؛ به
بیویانی که تو آن ها را محبت
خاص طراحتی می بگو که
باشد دچار جنونی انسی شده و
بدیلید به حیوانات خانگی گردند؛
گل ها بگو که ناید زیبایی خود
ایش از اندازه به رخ کشند
برایا که در این صورت اسری
اشته و محکوم خواهد شد تا
بیایی بخش قبرهایی باشند که
جساد مردگان را در خود جای
می دهند.
برگردان شعر لورکا از احمد
سامول

ستند؟ سرمهی سریریں —
تعداد کمی آواز کولی ها را
می شناسد زیرا آن چیزی که
بیش از همه عرضه می گردد
فلامنگو است که آواز اصلی
کولی ها نیست. این بیج خیلی
گستردگی دارد و در این گفتگو
نمی توان راجع به آن صحبت
نمود. از بعضی جهات هم حق با
اشاره طنزآمیز توتست که کولی ها
تهاز از مادرشان یاد می کنند.
علتش هم این است که آنها در
مادرسالاری زندگی می کنند و
پدرها هم پدر نیستند بلکه
همیشه به عنوان پسران
مادرانشان به حساب می آیند و
بدین شکل هم زندگی می کنند. با
این همه اشعار فولکلوریک
سیار عالی از کولی ها موجود
است که بدراها تقدیم شده
است اما تعدادشان خیلی اندک

۲۰ روز تا شروع جام جهانی
شتر نمانده است. تمام قوای
اسنودلان فوتبال ایران باید به
خدمت بازیکنان و طالبی و
وقوفنارنی در آید. 

بیشتری یافت و با ورود نعیم
سعادوی جناب راست ایران لحظه
به لحظه خطرناک تر شد. او لین
گل ایران را سهندوی کیا به انتر
میلان زد و پس از آن دایسی دو
بار و باقی در دقایق پایانی
بازی با گل های دیدنی اشان
پیروزی چهار بر یک تیم ملی
فوتبال ایران را رقم زدند.
در مقابل انتر میلان برای
نخستین بار جلال طالی تیم ملی
فوتبال ایران را آرایش داد. در
کنار طالی، بیژن ذوالقدر نسبت
همچنان به وظایف خود

جلال طالبی سرمربی فوتبال ایران شد

۲۰ روز تا شروع جام جهانی
شتر نمانده است. تمام قوای
اسنودلان فوتبال ایران باید به
خدمت بازیکنان و طالبی و
وقوفنارنی در آید. 

بیشتری یافت و با ورود نعیم
سعادوی جناب راست ایران لحظه
به لحظه خطرناک تر شد. او لین
گل ایران را سهندوی کیا به انتر
میلان زد و پس از آن دایسی دو
بار و باقی در دقایق پایانی
بازی با گل های دیدنی اشان
پیروزی چهار بر یک تیم ملی
فوتبال ایران را رقم زدند.
در مقابل انتر میلان برای
نخستین بار جلال طالی تیم ملی
فوتبال ایران را آرایش داد. در
کنار طالی، بیژن ذوالقدر نسبت
همچنان به وظایف خود

برد: نیما نکیسا، جواد زرینچه،
در: محمد خانی، محمد خاکپور،
بهدی پاشازاده، مهرداد میاوند،
مید استیلی، علی رضا
صوموریان، مهدی مهدوی کیا،
بنام سراج و علی دایی. انتز
پیلان در این دیدار تنها از ۴
رزی گن مشهور خود استناده
رد. در نیمه اول ایران یک گل
بورد و فرسته های خوبی برای
لیل زدن توسط دایی و مهدوی
اید هدر رفتند. در نیمه دوم با
میان بدن باقری به میانه میدان و
زیبی در خط حمله تیم سامان

ام جهانی فرصت داریم و
بیچ کارهایی می کرد که در
نهاد مدت هیچ تاثیر مثبتی برای
تیم نداشت. پس از اخراج
بیچ، صفاتی فراهمانی ریس
راسون فوتbal به آیتالیا رفت
پس از یک نشست در پشت
نمای بسته دریاتالیا گفت: من با
بی و ذوقفارنی نسب و نو آموز
تی ترتیب دادم تا بینیم
امه کار آنها پیست.

اندونزی: انقلاب یا رفرم؟

سہراب مبشری

پیوستن بالا راه سوهارتو «نقی» شده است یا نه؟ مردم اندونزی، دیکتاتور راساقط کردند یا نه؟ سقوط سوهارتو، رفیق یک مانع عمدۀ بر سر راه گذار اندونزی به دمکراسی است یا نه؟ اگر مردم اندونزی در هفتادهای اخیر، در برابر قهر ضدانقلابی ارگان‌های سرکوب دیکتاتوری، نمی‌استاند، هنوز سوهارتو بر سر کار نبود؟ اولین بیان نیست که ثابت می‌شود دیکتاتورهای مانند سوهارتو، تنها تحت فشار مبارزه انقلابی مردم است که عقب می‌نشینند. گرهایی هست که بدون مبارزه انقلابی باز نمی‌شود. چشم پوشی از مبارزه انقلابی، محروم کردن مردم از ابزاری است که گاه بدون آن نمی‌توان به سوی دمکراسی و آزادی گام برداشت.

سوهارتو دیکتاتور اندونزی پس از سده، تحت فشار تظاهرات مردم ناگزیر از استغفار شد. شر چند رئیس جمهور و کاپیتان جدید، از عناصر ففادار به دیکتاتور ساقط شده‌اند و می‌کوشند. ژئوم سوهارتو منهای سوهارتو را نگه دارند. چنین که حاکم خودکامه‌ای، پس از سه دهه بر اثر مبارزه مردم از قدرت به زیر کشیده شده است.

بیروزی بزرگی برای مردم اندونزی است. برای مانیز که با یک حکومت خودکامه سرو کار داریم، رخدادهای اندونزی آموزنده است. نتیجه در اندونزی می‌گذرد، انقلاب است یا فرم؟ مبارزه مردم، مسالمت آمیز است یا نهنگ‌آمیز؟ کدام عامل، سوهارتو را ساقط کرد؟ در میان شماری از نیروهای سیاسی ایران، فرمیسم، مبارزه مسالمت‌امیز، احتزار از

نمی توان منکر آن شد که در مبارزه برای آزادی، همواره شیوه های انتقامی و اشکال را دیگال مبارزه ضرورت نمی یابد. اما صدور این حکم از پیش که تنها با شیوه های معینی است که می توان به دمکراسی گذار کرد، بی شک با اوقایع جهان ما منطبق نیست. آن کس که به راستی دمکراسی و آزادی را می خواهد، نمی تواند خود را از پیش از طرق معینی از مبارزه معروف سازد. ارزوی همه خیرخواهان این است که رویارویی مردم ایران با جمهوری اسلامی، به خشونت و قهر کشانده نشود. چه بهتر که حکام خود کامه جمهوری اسلامی از سرنوشت همه دیکتاتورها درس بگیرند و تسلیم اراده مردم شوند. اما کیست که بتواند تضمین کند چنین خواهد شد؟

از دیدگاه خیرخواهانه «مالمت» نیز که به قضیه بینگریم، امکان گذار مسالمت آمیز به دمکراسی به نسبت میزان بسیج مردم برای آزادی و علیه دیکتاتوری افزایش می یابد. اصلاح طلب واقعی، نایاب از به صحنه آمدن مردم، از بسیج مردم برای تعقیخ خواستهایشان بهراسد. می توان اصلاح طلب بود و برای سوق دادن مبارزات سیاسی در جهت مسالمت آمیز کوشید، اما نمی توان ادعای اصلاح طلبی داشت و در رویارویی مردمی که همین اصلاحات را می خواهند با دشمن این خواستهای جانب مردم را نگرفت.

شیوه های «غیر متمدنانه» مبارزه و مذموم شمردن «اقدامات شورشی»، به احکام مقدسی بدبیل شده است. اصولاً به نظر می رسد ما بیرانیان، به افراط و تغیریت تمايل داریم. زمانی بود که نیروهای چپ در بحث میان خود به کمتر از نقل قول از لین رضایت نمی داشند. همه چپ ها انقلابی بودند و اصلاً چپ و فرمیست در بیران وجود نداشت. رفرمیست، ناسازی بود در حد خائن. نیروهای سیاسی لیبرال، در سمت چپ خود تا فرسنگ ها همسایه ای نداشتند و برای هر کس که خود را چپ می دانست، تنگی نزدیگر از این وجود نداشت که انقلابی اش ندانستند. هر کس که می خواست از موضوع راست تر، به سایر چپ ها نتاراد کند، حمله خود را در پوشش نقد «چپ نمایی» انجام می داد. چپ بودن به هر میزان که بود، گناه نبود.

اکنون به نظر می رسد که از عصر افراط به دوره تغیریت رسیده ایم. ملاقات مستعدی در مذمت «انقلابی گری» می خوانیم (صحبت از انقلابی گری است نه انقلابی بودن، با همین ترتیب کلمه دارای بار منفی، حکم را از پیش صادر می کنند). «مبارزات توده ای» شده است (شورش های کور)، به جای «شیوه های نفی» به نبال «شیوه های اثباتی» هستیم تا مبادا در رهنهگ سیاسی ما الفاظی مانند «سرنگونی» و «بربرگ کناری» راه نیابد، تا دامن رفرمیست متمدنانه با به «ماجرای جویی» الوده شود.

نان می شود، مرزهای بین جنگهای حکومتی رسر این مسئله منطبق بر مرزهایشان بر سر یک مسائل سیاسی نیست. محدودیت های یدلولویک دینی این مرزها را بینج نجات خصوص طلب تغییر می دهد. مثلا در مجلس سورای اسلامی در مورد طرح الحقیقی به قانون طبیعتات فقط دو تن از نمایندگان زن به رد پلی رای دادند. در حالی که بر مسائل سیاسی یک این نسبت وجود ندارد.

رد قوانین شرعی به یک خواست فرآیکر زنان بدیل شده است. تها امکان بیان آن در لحظه علی برخی مطبوعات هستند. به دلیل عدم وجود تشکل های زنان این خواست نمی تواند مکان پسیج یابد.

تشکل هایی که به نام تشکل های غیر دولتی کنون وجود دارند، در چارچوب برخی تقسیم کارهای درون و پیرامون حکومت بوجود مده آند و در چارچوب دینی محصورند و بپیچ وجه این خواست را نمایندگی نمی کنند. تلاش ر جهت فعالیت در این تشکل ها و اینکه آنها متوانند تفکر پرایری را نمایندگی کنند غالباً به نسبت های ایدئولوژیک برمی خورد. از این رو تشکل یابی زنان حول خواست های مشخص و چیزگیری آن می تواند یکی از قدم های مثبت باشد. تشکل یابی حول خواست مشخص در عین حال این حسن را برای سازمان دهدگان دارد که ز برخی بازخواست های ایدئولوژیک نیز خود را رهاند. انجمن حمایت از حقوق کودک که با تشکیل یابی کوکان مبارزه می کند یکی از مونده های مشخص تکشل یابی موضوعی است. مکان فعالیت دادن به این گونه تشکل هایی کی از بواره پای بندی به جامعه مدنی است که صحبت ن در طول یکسال گذشته پرورونق بوده است. 

شیلا فرید

پرسندهای اخلاقی سوها را توانند «نه» شدند است یا نه؟ مردم اندونزی، دیکتاتور را ساقط کردند یا نه؟ سقوط سوها را، رفع یک مانع عده برس راه گذار اندونزی به دمکراسی است یا نه؟ اگر مردم اندونزی در هفته‌های اخیر، در برابر قبیل ضادنالای ارگان‌های سرکوب دیکتاتوری، نمی‌ایستادند، هنوز سوها را برس کار نبود؟ اولین پس از نیست که ثابت می‌شود دیکتاتورهایی مانند سوها را، تنها تحت فشار مبارزه انقلابی مردم است که عقب می‌شینند. گرهایی هست که بدون مبارزه انقلابی، محروم کردن مردم از اینواری است که گاهی بدون آن نمی‌توان به سوی دمکراسی و آزادی گام برداشت. نمی‌توان منکر آن شد که در مبارزه برای آزادی، همواره شیوه‌های انقلابی و اشکال رادیکال مبارزه ضرورت نمی‌یابد. اما صدور این حکم از پیش که تنها با شیوه‌های معینی است که می‌توان به دمکراسی گذار کرد، بی‌شك با واقعیات جهان ما منطبق نیست. آن‌کس که به راستی دمکراسی و آزادی را می‌خواهد، نمی‌تواند خود را از این پیش از طرق معینی از مبارزه محروم سازد. ارزوی همه خیرخواهان این است که روپارویی مردم ایران با جمهوری اسلامی، به خشونت و قهر کشانده شود. چه بهتر که حکام خودکامه جمهوری اسلامی از سرنوشت همه دیکتاتورها درس بگیرند و تسلیم اراده مردم شوند. اما کیست که بتواند تضمین کند چنین خواهد شد؟ از دیدگاه خیرخواهانه «مسالت» نیز که به قضیه بنگریم، امکان گذار مسالت آمیز به دمکراسی به نسبت میزان پیچیدگی این مورد برای آنها بسیار کم است. این می‌تواند این را بین محدودیتی که در میان مسائل سیاسی مانند حق خواست اصلاح برخی قوانین در این عرصه در درون حکومت نیز طرفدارانی دارد. به تعییر مدافن طرح بند العاقی به قانون مطبوعات، این قوانین مستقیماً از شرع نشأت می‌گیرد و امکان تغیر ندارد. چنانچه نفیسه فیاض پیش نماینده مجلس شورای اسلامی از تبران و روای تبدیل شده است.

در کشور ما روند عکس، یعنی استفاده از تمايلات تقبیمهای ترین قشر فرهنگی، برای به قانون درآوردن نایابری وجود دارد. فقط سرعت آن گاهی زیاد و یا کم می‌شود. خشونت عربیان دولتی در جیهه قانونی و روانی به یک شکل دو طرح در قوانین است. اگر دامنه این شکل رفتاری که بازی سوال بردن قوانین مانند ارشاد به شرع مقدس توھین می‌کند. است. یکی اصلاح قانون مطبوعات و منع شدن دفاع از حقوق زنان و مردان طرح جداسازی خدمات پزشکی برای زنان و مردان. این دو طرح از دو زاویه هدف پیمانی را نیایی کنند. هر دو طرح نایابی حرکتی را دارد. خواست برای زنان و مرد عمل غیر از مقابله یا قوانین شرعاً و نشاندن قوانین عرفی بجای آن نیست. به گمان من اگر در مقابل کسانی مانند مدافعین این طرح دو امکان پذیریم که اجبار به انتخاب یکی داشته باشد. تشکل یابی حول خواست مشخص در عین حال این حسن را برای سازمان دهنده‌گان دارد که از برخی بازخواست‌های ایدئولوژیک برمی‌خورد. از این رو تشکل یابی زنان حول خواست‌های مشخص و پیگیری آن می‌تواند یکی از قدم‌های مثبت باشد. تشکل یابی حول خواست مشخص در عین حال این حسن را برای سازمان دهنده‌گان دارد که برهانند. این‌جمل حساب از حقوق کودک که با خشونت بر علیه کودکان مبارزه می‌کند یکی از نمونه‌های مشخص تکلیف یابی موضوعی است. امکان فعالیت دادن بهینه‌گونه تشکل‌ها یکی از راست‌تر، به سایر چهار انتقاد کنند. حمله خود را در پوشش نقد «چپ‌نمایی» انجام می‌داد. چپ بودن به هر میزان که بود، گناه نبود. اکنون به نظر می‌رسد که از عصر افزایش دوره تغیریت دیده به جامعه مدنی است که صحبت آن در طول یکسال گذشته پررونق بوده است. ■

را بین رعایت می‌کنی. طرح لایحه مطبوعات این هدف را از زاویه مقابله با بیان مطبوعاتی سرکوب حقوق زنان تامین کنند. تلاش متوجه این نکته است برای ایدئولوژیک دینی این مرزها را یعنی جناح انصار طلب تغییر می‌دهد. مثلاً در مجلس شورای اسلامی در مورد طرح العاقی به قانون مطبوعات فقط دو تن از نمایندگان زن به راد طرح رای دادند. در حالی که بر مسائل سیاسی دیگر این تناسب وجود ندارد.

برای مانیز که با یک حکومت خودکامه سروکار داریم، رخدادهای اندونزی آموزنده است. آنچه در اندونزی می‌گذرد، انقلاب است یا رفم؟ مبارزه مردم، سالمت آمیز است یا قبیر آمیز؟ کدام عامل، سوها را ساقط کرد؟ در میان شماری از نیروهای سیاسی ایران، رفرمیسم، مبارزه مسالمت آمیز، احتیاط از تشکل‌هایی که به نام تشکل‌های غیر دولتی اکنون وجود دارند، در چارچوب برخی تقسیم‌کارهای درون و پیرامون حکومت بوجود آمدند و در چارچوب دینی محصورند و بینیج وجود تشکل‌های زنان این خواست نمی‌تواند در این بسیج یابد.

شیوه‌های «غیرمتدبانه» مبارزه و مذموم شمردن «اقدامات شورشی»، به احکام مقدس تبدیل شده است. اصولاً به نظر می‌رسد ما ایرانیان، به افزایش و تغیریت تمایل داریم. تلاش بود که نیروهای چپ در بحث میان خود به کمتر از نقل قول از این رضایت نمی‌دادند. همه چهارها ایدئولوژیک برمی‌خورد. از این رو بن‌بستهای انتخابی بودند و اصلًاً چپ رفمیست در تشکل یابی زنان حول خواست‌های مشخص و پیگیری آن می‌تواند یکی از قدم‌های مثبت باشد. تشکل یابی حول خواست مشخص در عین حال این حسن را برای سازمان دهنده‌گان دارد که از برخی بازخواست‌های ایدئولوژیک بین خود و راههای انتخابی این گونه تشکل‌ها یکی داشته باشند یکی رد ولایت فقیه و دو می‌پذیرش برای مردم را برای عبور از برخی خط قرمزها عقیم می‌گذارد. طبیعی است که وقتی برایت قانون می‌گذارند که حق داری فقط نزد پزشک هم جنس درمان شود، خودخود از نظر روانی در کلاس درس داشتگان، محل کار و... نیز «مرزا» در بسیاری از کشورها سال‌هاست زمان آن دو بسیار رسانیده است که با تصویب قوانینی برای طبقه ای از از نظر سیاسی، قضایی و حقوقی دنیا می‌کند. تلاش متوجه این نکته است برای این طریق حوزه خصوصی عمل می‌کند مقابله کنند. همان موانعی که در راهیابی طریفیتر یعنی قوانین ناآنواعی در روابط انسان‌ها و از طریق فرهنگ، سد راه اجرای آن چیز که قانونی است، می‌شود.

آقای خاتمی:

رخت چرک دیگران را نشونید!

محمود صالحی

اللار، گوشت و غیره از آرژانتین خریداری نماید و در لیست مبادلات تجاري آرژانتین رونقان فتح شتم قرار دارد.

اگرچه تیره‌گی روایت بین ایران و آرژانتین متعاد بین الملک همچون میکنوس نخواهد برفت، اما عکس العمل دولت آقای خاتمی در پایان این مستهله می‌تراند ملاک صداقت وی در پورڈ ادعاهایش باشد.

سال ۱۹۹۲، زمانی که اولین بمب در آرژانتین منفجر گردید، آقای خاتمی از مقام وزارت فرهنگ استعفا داده شد! و در سال ۱۹۹۳ وقتی که دوهین بمب در بوئوس آیرس منفجر گردید وی مسوکولیت «غیر سیاسی» تاباخانه ملی را به عهده داشت.

اگر ادعای دادستان آرژانتین در مورد دست اشتن مقامات دولت و سازمان امنیت جمهوری سلامی واقعیت داشته باشد مظور آن بخش از رژیم است که در آن زمان بر مند قدرت بوده و ردادگاه میکنوس به جرم تروریسم دولتی حکوم گردید و مردم نیز در روز دوم خرداد است رد پرسننه آنان زندن.

اگر آقای خاتمی در اجرای قول های انتخاباتی اظهارات خود در مصاجبه با «مسی. ان. ان» بدیند است و خواهان برقراری گفتگوی تمدن ها بجای مبارزه تمدن ها است پاید حساب خود را زنان که تاکنون متده روش ترویریم دوستی از ادب می کردند جدا نماید. آقای خاتمی باید شجاعی شستن رخت چرکپای اعضا شورای اسلامی امنیت که در جویان طراحی و اجرای این دورها و شخص فلاحیان رئیس سابق سازمان اطلاعات بعنوان عامل و مجری آن و تیره نمودن وابط ایران با آرژانتین. یک بار برای همیشه شان دهد که سیاست خارجی ایران در مقایسه اچهار سال پیش تغییرات اساسی یافته و بر ساس تشذیب و صلح دوستی استوار است و و درسم «ام حکم» متعابد.

دوم خرداد و نسبت آن با قدرت

همشیری: آیا موضوع جمهوریت از ابتدای برای مردم روش نبود، در این باره جناب‌هایی که حکومت اسلامی صرف را مطرح می‌کنند چه موضوعی داشتند؟

دکتر افراحتی: بحث جمهوریت در فرهنگ سیاسی ما مطرح نبود و از طرف دیگر نخبگان سیاسی نیز تجربه جمهوری را نداشتند، و علیرغم اینکه قانون اساسی را بر مبنای جمهوریت و اسلامیت نوشتند بودیم، لذا از سال‌های ۵۹ و ۶۰ به این طرف، جامعه ما یک دوره کشمکش را بر سرشاخاف کردن مفهوم جمهوریت و تعیین حدود و ثغور آن و نسبت این جمهوریت با اسلامیت طی کرد در این کارکرد نیز گذشت: احمدیان، احمدی، ابراهیمی،

پیاست بدون اینکه به اقطاع باست‌ها دچار نویم، تا از طریق گفتگوی انتقادی با این است و این به نظر جدیدی بررسیم، البته به اعتقاد نه هیچیک از متذکرین از جمله سید جمال، ابراهیمی، و آقای خاتمی (به عنوان چهره شخص در پدیده دوم خرداد)، به دنبال مدرنیته چنان که در غرب تحقق یافته نیستند، بلکه به اقبال استفاده از تجربیات مدرنیته و ایجاد اندی فرامدن هستند تا برای مقاصد مناسب از اهداف‌های مدرنیته و بحران‌هایی که غرب از طریق انسانی و ارزشی با آنها مواجه است از شکلات‌های مدرنیزاپیون پرهیز کنند. البته این هیز با این آگاهی همراه است که زیست در

لشکریست سنت کراها چهارمین رای به عنوان پیش تاکتیک موقت و به عنوان اکل میته و اضطرار در سال های ۵۷ و ۵۸ پذیرفته و معتقد بودند به میزانی که جامعه پیش می رود و اسلامی تر می شود به همان نسبت باید چهارمین رای را بازداشتم و سرتاسر پیش می گویند در واقع از ازالت نجاست کرد. در مقابل آنها، تغیر نوگرای دینی ای که با سرمتش فکری دیگری وارد انقلاب شده بود و بعد از انقلاب در جامعه ما حضور داشت مطرح بود و طبعاً با این نحو تفسیر از اسلامیت و چهارمین رای مختلف بود. در جلال بین ایندو واقعه دوم خردان نشان داد که جامعه ایران از حیث نسبت با قدرت، به دنبال چهارمین و شمارک است و به هیچ وجه خواهان بازگشت سلطنت، حتی با محمل های دینی نسی پاشد و خواهان شمارک و بدست گیری سرنوشت شان هستند. ولذا آنکه خاتمه به عنوان سخنگوی جریان نوگرای دینی به صحته آمد و مردم بین دو گفتمان دینی که در این حال هر یک نگاه خاصی را به قدرت و جایگاه مردم در نسبت با دولت و قدرت داشتند، با رای به آقای خاتمه به نوگرای دینی رای دادند. از این نظر پدیده دوم خردان به نظر من از حیث نسبتی که به قدرت و دولت دارد تعیق و تکامل چهارمین رای است که انقلاب اسلامی مطرح کرده بود. به اعتقاد من، اگر پذیریم که انقلاب در طول ۲۰ سال بعد از پیروزی مقادیری به دلیل تعارض متفاوت و دیدگاهها و سواب یافتن دیدگاه های سنتی و پیادگر ایانها در بخش های مذهبی به نوسان و زیگزاگ افتاده بود، اما دوم خردان مجدداً به طور قاطعی این مسیو را تصحیح کرد و جریان را به مسیر اصلی اش برگرداند به نظر من پدیده دوم خردان به پیچوچه حکایات از تغییر گفتمان در جامعه ما از یک گفتمان دینی به یک گفتمان غیر دینی ندارد، زیرا آقای خاتمه شعارها و شخصیتی به مردم معرفی کرد که هیچ کدام کوچکترین علامتی از تغییر سکولار و لایک در خودش نداشت، تنها چیزی که داشت، بیان نمی باشد: و نسبت دین با بود نیسته بود.

در آستانه دوم خرداد نشریه همشهری
با دکتر هاشم افاجری استاد دانشگاه و
یکی از کادرهای سیاسی نزدیک به آقای
خاتمی مصاحبه‌ای انجام داد. در زیر
بخاطر آشنازی بیشتر با نظریات طبق
نزدیک به خاتمی بخش‌هایی از آین
مصالحه را درج می‌کنیم

شهری: جامعه ایران بالانتخابات ۲ خرداد از نظر تحولات ذکری و دیدگاه سیاسی مرتبط با قدرت چه تغییراتی را به نمایش می‌گذارد؟ دکتر آقا جرجی: من فکر می‌کنم حادثه ۲ خرداد از ۲ دیدگاه قابل بررسی است. ۱- فرایند تحولات ذکری و نظری ای که در تاریخ ۱۵۰ سال اخیر ایران مطرح بوده است. ۲- قرایند تحولات سیاسی مرتبط با قدرت. توضیح محورهای فوق، نیازمند پرداختن به مسایل اساسی است که در دو سده اخیر، جامعه ایران با آن مواجه شده است. اگر اصلی ترین شکاف و تقاضای که جامعه ما گرفتار آن بوده و بقیه بحران‌ها و شکاف‌ها حول آن تعین پیدا می‌کرده بشناسیم، در این صورت تحولاتی را که از آغاز و بطور مشخص از دوره مشروطیت به اینطرف تا دوم خرداد روی داد، بپردازی توائیم شناسایی کنیم. جامعه ایران در قرن ۱۹ میلادی در آستانه مشروطیت، یک جامعه سنتی- اسلامی است که از نظر اقتصادی، نسبتاً سسته خودکفای بود، این شرایط در معروف فشارهای خارجی قرار گرفت و کمایش شکسته شد. در ایران در زمینه‌های گوناگون فلسفی، فقیه، کلامی و... اندکاری وجود داشت که در تهایت در چارچوب اندیشه‌های اسلامی- ایرانی کلاسیک معنای پیدا می‌کرد. به عبارت دیگر جامعه ما یک جامعه اسلامی- ایرانی بود که در قرن نوزدهم با وضعیت جدید و مدنی تازه که در کنار خود یک تکنولوژی و اقتصاد جدید پیدا کرده، مواجه شد. بر این اساس تاریخ ۱۵۰ ساله ایران، تاریخ تمدن و چالش با پدیده جدید که نامش مدنیت غربی، مدرنیته است می‌باشد.... انقلاب اسلامی و دوم خرداد نیز در واقع پاسخی در بستر چنین فرازبانی بود. بنابراین تحلیل دوم خرداد از حیث ایدئولوژیک هیچگونه گسترشی را با انقلاب اسلامی و تکاپوهای اندیشه‌ای مبنی‌دانی بازگان. دکتر شریعتی، مرحوم طالقانی تا متکرکران دینی و نوگرای مشروطه مثل سید جمال و آیت‌الله نایینی ندارد، هر چند زیان، ادبیات و نکته تاکیدش متفاوت است و طبعاً متناسب با شرایط جدیدی که پیدا شده برخور دشان با مسایل تفاوت کرده است. ولی پارادایم، الگو و سرمشق کلی حاکم بر تمدنی این تکاپوهای نظری مبتنی بر حفظ هویت دینی، ملی و اصالات‌های فرهنگی و ایجاد گفتمان میان

گنبد که ما پیش از و پیش از همه وظیفه‌مان
تفاوت از آزادی تو سیندگان در ایران است. و بعد
از حد مسکن افشا کردن سیاست‌های ضد
برترهنجی و ضد آزادی رئیس حاکم بر ایران در
فکار عمومی جهان و بعد در کنار اینها کارهای
برترهنجی هم یکی از وظایف عمدۀ ماست که باید
نهاد و نهادیم بدهیم که با سمینار تئاتر در تبعید شروع
شده و ادامه خواهد داشت.

 با عسگر آهنین دییر کانون نویسنده‌گان ایران (در تبعیه مصاحبه

حقوق بشر و آزادی تغییک ناپذیرند

□ تحولات سیاسی اخیر در ایران چه شایری در وضعیت نویسنده‌گان و هنرمندان را ایران داشته است؟

■ من نمی دانم کجا و چندی پیش جمله‌ای از پیشای خواستم که او هم تا حدی اظهار میدید و از این راه کرد و هر کس دیگری اگر اظهار میدید و از این راه کرد شاید من زیاد جای نمی گرفتم ولی چون پیشای هم اظهار امیدواری کرد فکر کنم که کارهایی دارد می شود ولی فراموش کنیم ما روانشناسی آدم‌هایی را که زیر قشار بودند بدهید که به مرگ گرفته بودند تا آنها به تب بازی شوند. اولاً، حداقل دیگر تهدید مرگی تقدیم از طرف دولت بسویه بسازوی طلاق‌اعاتیش لائق کمتر بشود خودش یک دندمی است. دواماً به نظر من تا وقتی که ما به جامعه مدنی به آن معنای واقعی اش ترسیدهایم نیمه‌های دمکراتیک و مستقل از دولت شکل نشده‌اند این یا آن کار جنبه ارایشگرانه اراده و اگر نه این اصلاح به معنای آزادی نیست و وزیر ارشادی عوض شده و وزیر ارشادی یک‌آمده و می‌کوید می‌توانید آرام، آرام کانون م تشکیل دهید. اصلاح تو چکار داری که ما این‌گونه شکل می‌دهیم یا تشکیل نمی‌دهیم اگر است بگویند. اگر این آقایان اصلاح‌نظرشان از جامعه مدنی همان مدعیه‌هاین نباشد بحثه جای امیدواری خواهد بود. تاکید می‌کنم امیدواری من به مردم است و نه به دولت‌ها. اگر م صحبتی از انقلاب دوم و یا آغاز انقلاب دوم شود، این آغاز از سوی همین مردم است. این انقلاب دوم از طرف مردم است و نه از طرف پهلوی‌هایی که در بالا عرض بیشوند یک کمی برپایان تر و یا سخت‌گیرتر. این را باید دید و مردم را باید جدی گرفت و به کاری که کردند احتقام گذاشت و سعی کرد الته به زانو در نیامد ر مقابله مردم در همین حد و سعی کرد خواست ایدیکمال باشی و هیچ جنایت از این رژیم را نذیری، رژیمی که هم ولی فقیه‌اش دیگر زیر سقوط‌السلطنه و هم دستگاه قضائی‌اش زیر سقوط قفتند یعنی افرادی که بهت بدند و شکل این‌گونه به طرف مردم و این به نظر من از آغاز خوبی قفقه از طرف مردم و این به نظر من از آغاز خوبی است برای نیروهایی که می‌توانند کاری بکنند این‌گونه به حکمت مطلقه زیر سقوط این‌گونه کنند به طرف یک جامعه شهروندی واقعی تا قفقه که جمهوری اسلامی پسوند اسلامی دارد لعل فرد من این است، این جمهوری نرمایی خواهد بود.

□ آقای آهنی با تشکر از اینکه وقتان را در اختیار ما قرار دادید.

□ مراجعت کردند از اینکه وقتان را در

می شود. و گرنه در ذات خودش اتحادیده های جامعه اتحادیده های صنفی اند. اما چون خواست آزادی برای نویسنده کان و وجود آزادی مضمون است تا فلان صفت از این نظر کمی بیشتر سیاسی چلوه می کند. جالب اینجاست کسی که بیش از دیگران خواستار کانون صنفی بود، آقای باقی مومنی بوده از ایران و نه آقای گلشیری، آنها بیان که خبر ندارند، باخبر شوند. این آقای مومنی بوده که همیشه روی صفت بودن کانون تاکید داشته و چون کانون سیاسی بوده، زیاد از کانون خوش نی امده. و گرنه اتفاقاً گلشیری با صنفی، صنفی بودن کانون در یک جامعه دیگر تأثیری که در آن آزادی رعایت نمی شود، مخالف بوده همیشه. منهجه یک چیزی که هست این بحث در تبعید هم ادامه دارد. خیلی ها می گویند ما اصلاً فرهنگی باقی بمانیم و یا داریم سیاسی می شویم. ما می گوییم سیار خوب اگر تھا اصرار دارید که صرف کار فرهنگی بکنیم شما از جمهوری اسلامی آزادی را مان این جوری که ما می خواهیم بگیرید، چشم آن موقع می نشیم و کار فرهنگی می کیم. ما ولی واقعیت این است که گاه چنان تحت الشاعرین فشارها قاره گرفتیم که اصلاح از این سوی اکار داریم غافل می شویم، و حالا توسع شما این است که این ها را به موزات هم پیش ببریم یعنی برسیم به یک تعادلی ضمن اینکه ان طرف کوچکترین چیزی را فراموش نکیم و حساسیت در مقابل کوچکترین نقص آزادی نشان بدهیم، ز این طرف کم کم برویم به یک سمتی که بالاخره در این زمینه کار فرهنگی باید بشود. لان در خارج ادبیات در تبعید بوجود آمده است. سمینار تئاتر آشیتیم، سمینار داستان نویسی در تبعید را خواهیم داشت. و بعد فهم اگر بتوانیم پیش تر برویم سمینار آزادی در بروز را برگزار خواهیم کرد. که عدای از ایران و خارج شرکت خواهد کرد. و اگر بتوانیم این ها را پیش ببریم کار سیار بزرگی است زیرا ما با غذار مشکل رو برو هستیم و مهترین مشکل ما، شکل مالی است. وقتی دشمن تحمل می کند کاری را بده تو ناچاری آن را انجام بدهی. در یک دوره ای دفاع از جان و زندگی ادمها در ایران مطرح بود. آنها بیکه فحش به ویسندگانی که از ایران آمدند من می دهد چرا که یک کلمه اینجا تاکتیکی جور دیگر حرف زدندان، اینها فراموش می کنند که جای گرم شسته اند و آنها گاهی مثل چریکهای شهری، عدهای از نویسنده کان در ایران صدی باید از ین خانه، به آن خانه می رفتند، شب خانه خودشان نمی خوابیدند. مثل دوره چریکهای ندایی در دوره شاه اینها این وضع را درک می کنند اصلاحیا یا ینکه نمی خواهد درک کنند. وقتی چین چیزی پیش می آید مسلمان و چه غالیت فرهنگی ما هر کم می شود. آنها که به ما انتقاد اراده نهان باشند از نظر این اراده، نظر

داشتند باشد. همین قطبناهه آخر هم باز همین است. کانون یک حزب نیست که دارای یک اندیشه سیاسی واحد باشد و یا تاکتیک مشخص و واحدی داشته باشد. کانون مشخص عمل می‌کنند. آنچه که در تضاد با انسانه و منشور خود می‌بیند، به آن می‌پردازد. کانون که نمی‌تواند نظام تعین کنند. کانون یک کانون معطوف به قدرت نیست. یک کانون معطوف به آزادی است. نه نظام چانشین دارد که بگوید این را براندازیم و چیز دیگری پیجایش پیاویم و نه می‌تواند برانداز باشد. در حالی که افادش حق دارند بیرون از کانون حتی جزو سازمانهایی باشند که به حق براندازی را درست می‌دانند. و یا به ناخ براندازی را درست می‌بینند. این امر به کانون ربطی ندارد. و اگر کسی بداند که وظایف و اختیارات و توان یک نهاد دمکراتیک تا چه حد است به نظر من اصلاً این سوال نباید پیش بیاید. کانون کار خودش را می‌کند، احزاب کار خودشان را. احزاب سیاسی به وظایف خودمان باید عمل کنند. ما به وظایف خودمان علی می‌کنیم. تا وقتی که زیر ضرب هستیم و آزادی به آن معنایی که در انسانه کانون خواستیم پیاده نشده است بی هیچ حصر و استثنای برای همه گروههای عقیدتی ما از آزادی دفاع خواهیم کرد. و زدن این و یا آن را به خاطر عقیده و مذهب و گرایش سیاسی محکوم می‌کیم. ولی حزب نیستیم. این را باید فهمید. حیثیت داریم نسبت به آزادی، سمت‌گیری داریم. جانب‌داری داریم و چون این رژیم در تمام طول جیاش از فشار بر طبقات و همکاران مطیوعاتی ما گرفته، از بستن در کانون گرفته، از کشتن و ربودن نویسنده‌گان گرفته، از سنگسار زنان گرفته از تحت فشار قرار دادن اقلیت‌های دینی گرفته، هر جای آن را بینند پا منشور چهانی حقوق پسر در تشاد است. و یا انسانه ما هم در تضاد است و ما مجبویم موضوع بگیریم. و بنابر این نگرانی آنها من نمی‌فهمم آنکه ترس از بعضی رقابت‌ها بیانش جای نگرانی نیست.

□ در تعریف کانون گفته شده است که کانون هم صنفی است و هم سیاسی است. صنفی بودن کانون نویسنده‌گان در تبعید بی معنی نیست؟ و چرا هر جاکه سیاسی بودن مطرز می‌شود بلافصله مرزبنده با احزاب عمله می‌شود؟

■ این از همان اول پیدایش کانون در ایران بوده و هنوز هم الان در ایران هست تا جایی که ما در جریان هستیم. در خارج هم طبیعی است که این بحث‌ها هست. اینکه کانون هم صنفی است و هم سیاسی بین معنی است که تا وقیعی که آزادی اندیشه و بیان و تشکیل در ایران رعایت نمی‌شود چون خواست ازادی یک خواست سیاسی است در نتیجه اینجا کانون

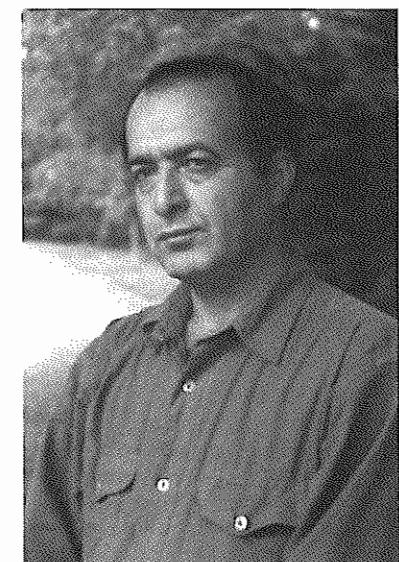
پا گرفتن فعالیت کانون دشمن، فحش، اتهام و ترور شخصیت را شروع کردند. حالا که ترور میزینکی نمی توانند بکنند زیرا قادر است احرازی دارند و امیدوارانم که هیچوقت به آنجا هم نرسد.

لی بعثت هم این است که این مشکلات را بیجاد می کنند. شک می آفرینند. سوء تفاهمند می آفرینند. و تو باید به تک مردم توضیح دهی که اینکه می گویند نیست. پیشداوری بیجاد می کنند. و بخشی از نیروی ما را صرف یعنی جبهه های جانی می کنند. این باعث می شود که مشکلات در درون کانون افزایش باید ما نیروی نیستیم و ما ادعایی جنبش زیاد بیخش بودن را نداریم. بوسیله آنان کارشناسی و دلسردی ها در کار کانون وجود می آید. یا مثلاً سازمان های سیاسی وجود دارند که اگر کانون کاملاً در آن خطی که آنان به آن رسیده اند نباشد حمایت نمی کنند. یا بقول خودشان لاسه نمی کنند. فرض کنیم دیرروز حقیقت مطلق اشان چیز دیگری بوده است، امروز بخوبیت مطلق دیگری رسیده اند. و ما هم باید بجد حقایق خودمان را با حقایق تاکتیکی آنها می کنیم و نیتوانیم همچون کاری کنیم.

سازمان هم حقیقت دوربردتری را در نظر اراده. استقلال از نظامها و از احزاب و ازادی قیده و بیان بدون هیچ حصر و استثنای و می توانیم این را همانگه بکنیم مثلًا با تو نوشت و حقایق تاکتیکی فعلی این سازمان یا نهاد خوب. این است که گاهی از سوی آن گروه بورد حله قرار می گیریم و گاهی از سوی آن گروه دیگر مورد تشویق قرار می گیریم. بخشی از آن هم زیر کانه تر عمل می کنند و بخشی از اسرا تقویت می کنند و از بخش دیگر انتقاد می کنند. چرا که گویا این گفته است مباید پهلوهای دمکراتیک را یا رادیکالیه بکنیم و یا بید رهبری آن را به دست یابیم. این تاکتیک ادر مورد کانون هم بکار می گیرند. و این شکل ایجاد می کنند. اگر از هوشیاری سیاسی اتفاق بخوردان نباشیم به عنوان عضو کانون، و ممکن است این فرق یک نهاد دمکراتیک را با این که حزب سیاسی مسلسل آگاه هم تحت تاثیر قرار گیری و این نزع احادیث را ایجاد می کند در رون افراد کانون. در حالی که اگر تعقیب کنند و سازمانه کانون را که دو ورق بیشتر هم نیست خواهند می بینند که قضایا شان را بقیه راه را در.

□ اکثر انتقاداتی که در ماههای اخیر متوجه کانون است مضموناً همان بحث عمومی جریانات سیاسی با یکدیگر است، یعنی گویند کانون از این پس ولایت قبیه را متوجه ضریبه خود می داند و نه نظام ممهوری اسلامی را.

■ من فکر می کنم اگر کسی بداند که کانون چه



بخش آخر

کانون در درون خود با چه مشکلاتی مواجه است؟

■ به نظر من مشکلات درون کانون جدا از مشکلات کل جامعه ما که در حال شهروند شدن است نیست. یعنی چه در حال شهروند شدن؟ یعنی اینکه ما با خشم و زور گاهی دمکراسی را قورت می‌دهیم. تحمل غیربرایمان آسان نیست. می‌گویند اگر فلان کس در لیست فلان سخنرانی باشد، اسم من تباشد. می‌گویند می‌خواهیم امضا جمع بکنیم برای سعیدی سیرجانی. اول می‌پرسند که چه کسانی اسمشان در لیست است. اگر فلانی هست پس من نیستم. یعنی چیزهایی که شهروندان معمولاً باید این مسائل را پشت سر گذاشته باشند. ولی خوب شما می‌بینند در کل جامعه ایران برای اوین بار در تاریخ ایران جمیعت و سیعی صحبت از جامعه مدنی می‌کند و آمده پشت این فکر. حتی در انقلاب مشروطه هم این فکر این حد از پایه اجتماعی را نداشته است. به همین دلیل هم این فکر یا یک تلنگر راضخان می‌افتد. ولی الان دارد می‌رود به این سمت. مسلمان زیگ‌زاكها خالی نخواهد بود جامعه‌ای که به این سمت می‌رود و افراد هم از این زیگ‌زاكها می‌ترنخواهند بود. و ما هم چون جزئی از یک کل بیزرنگ رت هستیم خودمان هم خالی از این ایرادات نیستیم. به ما انتقاداتی هم می‌شود که بسیار درست است. سعی می‌کنیم که بفهمیم. ولی واقعیت این است که قورت دادن شهروندی و حقوق شهروندی و دمکراسی برای ما که هیچ وقت تجربه نکردیم کمی مشکل است. سعی مان بر این است که به این سمت برویم.

□ شما در بالا به حساسیت‌های اشاره کردید که از بیرون به درون کانون انتقال می‌یابند.

□ حساسیت مردم را من می‌فهمم. ولی گروههایی هم هستند که به نظر من اینجا قدری به مسائلی دامن می‌زنند به چیزهایی که مثلاً تقسیم گنجانند. یعنی در اصل در رقابت با چیزیانات دیگر از انجایی که نمی‌توانند بهمند که یک کانون دمکراتیک یک حزب نیست، با اینها همراه باشند. قلت افتدان این شعر عکس از اینها همان:

ستاخیز یک زنده با گور

گزارش روزنامه فرانکفورت روندشاو-از ورود فرج سرکوهی، به فرانکفورت

از ایران، اما مرتب‌گزارش‌های ضد و نقیضی به گوچش مرسد در حالی که وزیر فرهنگ و ارشاد سلام، در روزهای اخیر در خصوص پذیرش آزادی می‌گوید.

این سهم رساندهای گروهی در حمایت از آزادی ندیشه او را نجات داد. حتی در صورتی که فرض بود سیاست نیز در پشت پرده برای آزادی او کاری جام داده است، بی‌شک آن نیز حاصل عملکرد قابل ساندهای گروهی بوده است در اولین نشست عمومی نواد در خارج از ایران، این روزنامه‌نگار ۵ ساله برایانی به مسائل شخصی و تسویه حساب‌های گذشته پرداخت و در مقابل از افکار عمومی بین‌المللی فاضاً کرد که وضعیت ایران را همچنان با دقت گیری نمایند.

فضای سیاسی ایران طی مدت دریست بودن برکوهی از ۱۷ تا ۲۰ نویembre امسال به روشنی غیرپرکشیده است. او دریافت خود از ۳ مارس آزادی در ایران را بین گونه بیان می‌کند: «...که مردم بالآخره عال شده‌اند، مردم هویت خود را بازی می‌بینند و درزیزی تاریخی خود را برای آزادی و دموکراسی حالاً بیگن به وضوح و با صدای بلند بیان می‌کنند». آیا خروج سرکوهی با گذرنامه معتبر از کشور نشانه پریارلیزه شدن ایران تحت ریاست جمهوری محمد انتصی است؟ کسی که بسیاری به او امید بسته‌اند، و بیگرانی باشک و تربید به او می‌نگرند؟ محمود فیض، تبعیدی و رئیس انجمن هاداران حقوق پیش، آزادی و اجازه خروج سرکوهی را یک پیروزی برای گذرانیدشان ایرانی می‌خواند. بهمن نیز وند، بیستنده ایرانی مقیم فرانکفورت که کلام سرکوهی را فارسی ترجمه کرده، از «سرمش بیشتر» سخن

دیسیسیچیستی پیچیده محسوب می شد. توظیه ای که در طی آن مرگ او به یک رسوایی جاسوسی برای آلمان منتپی می شد. سرکوهی می باشی در یک مصاحبه اجباری به همکاری اطلاعاتی خود با سازمان های جاسوسی آلمان اقرار می کرد و سپس تصفیه می شد، فرد دیگری، از میان پادوهای رژیم، قرار بود با گذرنامه ای رسمی به آلمان سفر کرده و خودش را در آن جاگم و گونگ کند و به این ترتیب نقشه ملاها تحت عنوان فرار سرکوهی به سوی ارایبانش به اثبات برسد. به این ترتیب رژیم جمهوری اسلامی می توانست به قاضی دادگاه برلین در پرونده میکوتون که قصد داشت مسئولیت ترور ۴ رهبر حزب دموکرات کردستان را به دوش رژیم ملاها پیاندازد، با اتهام فعالیت های جاسوسی دوایر رسمی آلمان در ایران پایه بدد. رسوایی سیاسی در پرایر رسوایی سیاسی، چنین بود بر نامه ملاها.

آنچه که همه این حساب ها را نشان برآب کرده در تابعه ای نهفته است که سرکوهی توانست آن را در ۸ زانویه ۱۹۹۷ از سلوون خود به بیرون بفرستد. او در آن زمان بشدت شکنجه شده بود و او را در مراسم اعدام ساختگی به بازی گرفته بودند. او، اما به سناپریو پی برد. این که او امروز زنده است، حاصل مبارزات همسرش و رسانه های گروهی آزادیخواه اروپاست. آن ها فرج سرکوهی را از حد یک روزنامه نگار مقتوله ای رئیسه یک شخصیت مورد تهدید بدیل کردند. سرکوهی می گوید: «تها حمایت عمومی و

خانه فرنگ شهر فرانکفورت در مصاحبه مطبوعاتی شرکت خواهد کرد. لحظات تلخی را پشت سر نهاده است. از سوانح رانندگی ساختگی و بداصطلاح سفر تحقیقاتی به ارمنستان، تا جمجم مسلحانه به متزل هکارشان، کوشان، که آنها به اتفاق در آنجا مشغول حیصیل دادن مواد اساسنامه‌ای برای تأسیس اتحادیه نویسنده‌گان ایران بودند. به تمام این آزارهای تقریباً روزانه، سرکوهی و ۱۳۳ نفر دیگر امضاکنندگان اعلامیه اعتراض بر علیه سانسور در کشور «ملاهای» از خود رفته بودند.

سال ۱۹۹۴ من همیشه می‌ترسیدم که حادثه بدی اتفاق بیافتدند، با این جمله همسر سرکوهی از وضعیت آن روز تجدید خاطره می‌کند. همین طور هم شد و حادثه‌ای اتفاق افتاد و همسر او در مرکز این نایاش غم انگیز قرار گرفت. نایاشی که خشونت عمل در آن مرز تهدیدهای خشن علیه سلمان رشدی را پشت سر نهاد و حتی از بدگمانی‌های همسر سرکوهی هم فراتر رفت.

سرکوهی واجد خصوصیاتی بود که با نشده‌های رژیم جور در بیاید. او به داشتن سابقه ۸ سال زندان در زمان شاه، به عنوان روشنگری شجاع معروفیت داشت و تحقیر کردن او و توطیق پادوهای رژیم ملائمه در دادگستری، او را حتی در میان مخالفان رژیم خجالت‌زده می‌کرد. به علاوه، در حالی که خانواده او در جنبه‌های خود خواسته در آلمان بسر می‌بردند، برای جمهوری اسلامی او بهترین نامزد برای این

فرج سرکوهی نویسنده‌ای است که در ایران به چاوسی
برای اینان متهمن شده بود در فرانکفورت به
خاناداهش پیوست. راس ساعت ۵:۵۰ پرواز شماره
۴۰۱ لوفت‌هازن از تهران در فروگاه فرانکفورت به
زمین نشست. این پرواز رامی باستی فرج سرکوهی
در سوی نوامبر ۹۶ انجام دهد. اما در آن زمان بدجای
پرواز پرسوی ازدایی، این رسیدری مجله‌ای فرنگی
(اویله) "زیبار سنتیکنی" از اتهامات، از سازمان
امنیت ایران سر در آورد. در آن جا رنج غیر قابل
تصویری انتظار او را می‌کشید: ۴۷ روز زندان؛ تهمت
شکنجه، اقرارگیری؛ تحت فشار، و خودشکسی
اجباری، سرکوهی بعداً فهمید که آن‌ها می‌خواستند از
او چاوسی بسازند تا به عنوان مقابله به مثل بر علیه
جنجال صدور حکم دادگاه مکونوس که رژیم ایران را
در خط روایی سیاسی قرار داده بود، استفاده کنند
"من در در رنج یک زنده به گور را بگوش و پوست
خود احساس کرم". این جمله‌ای است که سرکوهی از
زندان به همسرش نوشت. بدون آن که بداند آیا این
نوشتة به دنبای خارج از زندان خواهد رسید یا نه.
امروز، اما در به روی پاشنه دیگری می‌چرخد. به
گفته مقامات لوفت‌هازن از سرکوهی در فروگاه
فرانکفورت مانند یک مقام بلندپایه استقبال شد. در
پای پلکان هواییما همسرش فریده و دو فرزندش
آن‌ظهور ارا رامی کشیدند. شور و هیجان در
آغوش‌گیری‌ها و غلیان احساسات را پس از دو سال و
نیم جدایی و دیدار دوباره باکسی که بارها مفقود الایش
شده و حتی برایش عزاداری ترتیب داده شده بود
می‌توان تصور کرد.

آن‌ها به اتفاق به پاولین و پیئر رفتند، اویلن
سخنرانی‌ها و اویلن شوخی‌ها، تب دیدار در پاران
لیختنها فروکش می‌کند.

این مرد با این جثه کوچک و نحیف که الان در

نایه شورای هرگزی به آقای خاتمی رو به کدام سو دارد؟

دانش باقر پور

فقید، به پاس تبدیل شده است و عمل تقاضا
بیرونی آنها را با آن بخش از نیروهایی که
رسالت ذوب شدن در ولایت را برای خوش
فایلند از میان برده است.

یکسال از دوم خرداد ۷۶ سپری شده، طی
این مدت وزارت کشور، وزارت ارشاد،
دستگاه قضائی و شهرداریها و نیز مجلس مرکز
حادثه‌ترین مناقشات درون نظام بودند و
کشکشانی فراوانی بین دو جناح گوئی و
حول ارگانهای یاد شده رخ داد، در این یکسال
می‌بینیم که از وعده‌های داده شده به مرخصه عمل
کشیده نشد، آقای خاتمی در پشت درهای بسته
به زدیند بنا جناح مقابل پرداخت و وعده
مشارکت مردمی را به سفره گرفت. مردم
خواهان بند نیاند بر دستان هوای استبداد و
رفع بحران اقتصاد، سیاست در کشور هستند.

سازمان ما باید پیام مردم، دانشجویان و
کارگران را در طلب خواسته‌های خوش منجمله
آزادی‌های سیاسی را درک کند و حساسیت
شرایط موجود در جامعه را دریابد. مبارزه در
راه تائین حقوق ملی‌های ساکن کشور نیز
مستلزم توجه و بهاء بیشتری از سوی سازمان
است.

در این موضوع نباید تردید کرد که
دولتمردان نظام می‌جنون خانه‌های و رفتگانی
تصیم خود را در دشمنی با آزادی و مشارکت
توده‌ای گرفته‌اند و هر روز گزگشان را در گفت
حایات ارگانهای نظام به صفات مردم گشیل
می‌دارند.

سیاست پنهان نگاهداشتمن آنچه را که بر کشور
و مردم می‌رود توسط هر مقام دولتی که هست
باید بدون کوچکترین تردید افشا نمود.
فراخواندن مردم به ایجاد و برگزیدن یک نظام
دموکراتیک در کشور که مولدهای آن بر مبنای
مدنیت و قانون و آزادی‌های بدنون قید و شرط
سیاسی با حضور گسترده احزاب و دیگر
نهادهای دموکراتیک قابل شناسایی است یک
ضرورت انکار ناپذیر است.

مردم را دعوت به پاسداری از ارزش‌های ملی
و انسانی در کشور کنیم و از آنان تغواصم تا
حکومت قرون وسطی م وجود اتسام حجت
کنند.

فعالیت آزادانه در کشور با مضمون تلاش در
راه تحقق مطالبات دموکراتیک از مجاری غیر
عرفي و غیر دموکراتیک عملی نیست. میزان را
مراجعة مردم و نهادهای متعلق به آنان قرار دهیم
و در بیان حقیقت با آنها صراحت داشته باشیم و
با صدای رسانه فریاد پر اوریم که خاتمی و دیگر
منتقدان درونی نظام تازمانی که بر اصل ولایت
فقیه باور دارند و مشارکت مردمی و همدادی
با احزاب و سازمانهای سیاسی چپ و دمکرات
رانی می‌سازند و به راحتی سرکوب
فریختگان و اندیشه‌ورزان را نظره می‌کنند،
تحت هیچ شرایطی قادر به گره گشایی جدی
مشکلات کشور نیستند.

خلاصه مقدم از اینو ب مضامون تلاش در
تغییر ساختار سیاسی کشور است. برای نیل به
این اهداف تمام امکان خوش را در راه احیاء و
گسترش سنتیکاه و نهادهای دموکراتیک
میهنمان بکار گیریم.

اما بیرون از حاکمیت هستند و در روند ۱۹ ساله
به دیدگاههایی دست یافته‌اند که عمل خواستار
حذف موقعیت ولی نقید در قانون اساسی به
منتقدین درونی نظام از سوی برخی از مسئولین
رای مردم هستند، موضوعی دیگر است و
عملکرد آنان را نیز توان با منتقدین درونی
هم‌سنج کرد.

دفتر تحکیم وحدت و سازمان مجاهدین
انقلاب اسلامی و به نوعی بخش دیگر از
دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دقیقاً از همین زاویه است که آقای خاتمی در
کتاب پیام موج خود تاکید دارد: «جامعه ما جامعه
دینی است و طبیعی است که بسی دینان مدعی
روشنکری متمرکز سازند و با توده و کم و
زحمت همسو باشند.

هسوی با مردمی که آزمون تاریخی و
شکوهمند خود را بطور یک پارچه در دوم
خرداد به نمایش گذاشته و با قدرت متحده خود
چنان غالب در حکومت را به تنگی ایجاد که
مترجمان همسواره از آن به عنوان یکی از
بدچشم‌گیران تاریخ لحظات خوشی باد
می‌کنند.

شایسته نیست نیروهای منتقد درون نظام را
برخلاف آنگونه که هستند و می‌اندیشند به
چنین معرفی نمایند. ترویج این سیاست بدون
شک به سود ما و مردم نخواهد بود. چند روز
پس از اتمام مصاحبه آقای خاتمی با CNN

وی اعلام داشت که موضوع گیری او در قبال
تاییان واقعیت پاسخ و اظهار نظر و زارت
کشور نامه به خانمهای را سورد انتقاد قرار
دادند. نتش و عملکرد مداوم خانمهای در دفاع
از استبداد و تجربه و رازندتودهها و بدیع آن
نمثور ساخته است. اشارات به موضوع فوق،
آنگرانی و تعییر منطبق با سیاست حمایتی را در
اذعان دانشیان دامن نمی‌زد.

سیاست تردید و تعییر منطبق با سیاست حمایتی را در
پیش از این معرفی پوشی از معتقدان در قبال
بحاران عظیم ساختار اقتصادی کشور و عدم
تلاش وی علیه تورم لجام گسیخته، فاصله
توده‌های مردم را به روز از او پیشتر ساخته
است. بنابر اعترافات مسئولین درجه اول،
ساختار اقتصادی نظام و چهت‌گیری آن نیز با
موازن نهانی روپرست.

وقوع تظاهرات چند هزار نفری اخیر در
منطقه پل ساوه که منجر به زد خور مردم با
ماموران انتظامی گشت و مرگ یک نوجوان را
به دنبال داشت، از جمله پیامدهای بحران
اجتماعی کشور است. فضای عمومی موجود در
جهان دارای یکسانی سیاست حمایتی است.

پرداختن و اصرار مدام شورا مبنی بر عدم
بودن مبارزه مستقدین درون نظام و آرایش
نهادهای از آنها در دفاع از آزادی‌ها، ناقوسها
را بار دیگر برای همه مادرگزیدگان سیاستی
صادرا در اورده است.

برخی از ارگانهای حکومت، نزد توده‌ها مطرود
و مزنوی گشته‌اند. از همین رو پیش‌بینی
می‌گردد ناهنجاریهای اجتماعی روبه و خامت
تجربه زندگی به درستی نشان داد که چنین
در کهای انسحاب‌طلبانه، آنچه که با حیات
اجتماعی و جوش گشیش بوده است، آنها دروازه با

چسباندن کلیه «اسلامی» تلاش کردند تا
دیگران را از دخالت در امری که گویی قرار داشت

پیاده‌سازی کرد. از همین رو پیش‌بینی

چهارچوب حفظ جمهوری و سیف الله داد.

تجربه زندگی به درستی نشان داد که چنین

در کهای انسحاب‌طلبانه، آنچه که با حیات

اجتماعی و جوش گشیش بوده است، آنها دروازه با

مواضع سیاسی آن خواهد شد.

سیاست یک با و دو های اینچنینی به جز

لطفه زدن به موقعیت سازمان در بین سایر

نیروها و به طریق اولی به جنبش دمکراتی سود

دیگری ندارد.

و تحت تاثیر حرکت دوم خرداد، طبعاً برای
سازمان ما یک امتیاز محسوب می‌شود، اما
تینین کنده نایدین و عمدۀ جلوه دادن نشان
رای مردم هستند، موضوعی دیگر است و
عملکرد آنان را نیز توان با منتقدین درونی
هم‌سنج کرد.

صلحت این است که آن تعداد از رفقاء
شورای مرکزی، این سیاست را مورد بازبینی و
تجدید نظر قرار دهند و توجه اصلی خود را به
مبارزه علا مسح موضع تدوه‌های مردم یعنی
کارگران و دانشجویان و دیگر مرکز
روشنکری متمرکز سازند و با توده و کم و
زحمت همسو باشند.

هسوی با مردمی که آزمون تاریخی و
شکوهمند خود را بطور یک پارچه در دوم
خرداد به نمایش گذاشته و با قدرت متحده خود
چنان غالب در حکومت را به تنگی ایجاد که
مترجمان همسواره از آن به عنوان یکی از
بدچشم‌گیران تاریخ لحظات خوشی باد
می‌کنند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

دانشجویان ساقی خط امام از جمله این نیروها
می‌پاشند. تاکنون کجا شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم
که آقایان شنیدن درون نظام خواستار حذف
ارگانی چون وزارت ارشاد باشد. مگر غیر از
این است که آقایان هنوز معتقدند به مردم و
کاروژان فرهنگی، گرهه هستند و احتیاج به
ارشاد دارند.

(۱) یکی از معترضین راههایی که احزاب و
سازمانهای استبدادی و غیر دمکراتیک، جهت
دستیابی به مطالبات سیاسی و خواستهای
مردمی در پیش می‌گیرد، تلاش برای تغییر
توازن قوای به سود دمکراتی و عدالت اجتماعی
شارکت در قدرت سیاسی قابل درک و تعریف
است که هم‌واره از مجاری مسح و تغییر
سازمانهای و تشکل‌های از خودشان می‌گذرد
از سیاست ایجاد و نهادهای مستقل و رشد
آنها بر قرار سازند و هم‌انگشتی از میان
این نهادها در مقابله با ارگانهای دولتی به اجرای
بکارگیری این مشی، نشان می‌گیرد.

تاثیر و بکارگیری این مشی، نشان می‌گیرد
قابل توجهی در پیشنهاد مطالبات سیاسی
اجتنابی در نهادی کردن دمکراتی در کشور
بجا خواهد گذاشت و در بلند مدت نیز، باز تولید
این ارزیاده قابل شناخت باشد.

دکتر پیمان: در درون سیستم خاتمه امکانات محدودی دارد

نیستند، آنها هرچند به تدریج و آنسته پیشرفت می‌کنند ولی نیروهای حاصل از انساشت و تراکم آنها محرك آزادی و عمل نیروهای مادی و اجتماعی وسیعی خواهد شد. باید به تایی قطعی این تحولات چشم دوخت و در تعقیق و تسریع و مراقبت از نتایج آن کوش و هوشیار بود.

وی در ادامه طرح می‌کند: امروز همه از ضرورت آزادی و حاکمیت قانون سخن می‌گویند

و حرف درستی هم سنت و در اولویت قرار دارد، اما اگر قرار بر روشگری در میان مردم و خودآگاه ساختن و سیچ اینها برای بدست گرفتن زمام سرنوشت خوش است باید

شاعرهای ما با مهمنشین مسائل و

تضادهای زندگی‌شان پیوند

ست قائم داشته باشد و حال آنکه به دلیل چند که بیشتر جنبه

عکس عملی دارد، در ادبیات

سیاسی این دوره به ندرت فقر و

تگذستی و رنجهای بی شمار

توده‌ها، از شکاف عمیق طبقاتی

و نراسائیهای اساسی در

مناسبات موجود در نظام

اقتصادی و سلسله مراتب قدرت

و توزیع امکانات و مالکیتی

صنعتی و تجاری و چهارتی

طباقاتی قوانین و

سیاست‌گذاری‌های موجود،

آگاهی‌های درستی به مردم داده

می‌شود، در گذشته ایتدیلوژی

ستگرای دینی حاکم مردم را از

هم صفت و طبقه به رغم وجود

روابط ظالمانه و استثماری در

یک هیبت واحد و صوری

مسلمانی جای دارد و هم اکنون

هم بسیاری از روشنگران بدون

تجدد به تفاوت نگرش طبقات

سرمایه‌دار مسلط و روشنگران

و توده‌های تحت ستم به مقوله

آزادی و مردم‌سازی و جامعه

منی، از این مقولات به طور

کلی صحبت و دفاع می‌کنند، و

حال آنکه اگر به درون‌سایه

مناسبات اجتماعی و انتصادی

جامعه‌منی و دموکراسی توجه

نموده، هیچ تضییف نیست که

پیشرفت در این میت به آزادی

اکثریت توهه می‌رساند و

همکاران از موهاب آزادی پیره‌مند

شوند، ... در همان حال نایاب با

وضعیگیریها و اقدامات شتابزده

یا چیزدانه، افزایی ترین جناح

راستگار و سرکوبگر را در ایجاد

این توهم که مخالفان در حال

توطه و همدمی برای گرفتن

قدرت در آینده نزدیک هستند و

یا آنان در صددن که زیرپایی

روشنگری و مذهب را گاروب

کنند و جامعه را از عقاید و

نهادهای کنونی پاکسازی کنند،

یاروی سانند.

روشنگران در اقدامات و

تبلیغات خود باید مراقب باشند

به این توههات دامن نزنند،

ضمانت خود نیز گرفتار این توهم

نمودند که شرایط برا پیشبرد

یک رشته تغیرات ریشه‌ای

مساعد گشته است، نظارت آراء

و تعارضهای مختلف درون نظام،

چنانچهای کنونی اجتماعی و

ایجاد تشکلهای جدید و مستقل

سیاسی و مدنی نینجامد باید

مشت تلقی شده و تعقیق گردد.

گفتمانهای جدید بیش از پیش در

تعارض با ماهیت و سیاستی

نظم در عرصه‌های مختلف قرار

می‌گیرند. واکنشهای

سرکوبگرانه برای متوقف کردن

این روند رو به رشد هرچند

پیوسته دشوارتر می‌شود اما باید

ناممکن تلقی شود، در آن صورت

این فرستت مددی پیش از آنکه به

ئمر بشنید، باز هم برای مدتی

متوقف و به تأخیر خواهد اتفاق.

نشریه میهن در شماره اخیر

خد مصاحبه‌ای با دکتر پیمان

انجام داد، در این مصاحبه آقای

دکتر پیمان تحلیل خود را از

شراحت سخنی، روشن‌های

ایدی‌بخشی که در کشور در حال

گشترش است، خطوط‌رسی که

مبارزه موجود در جامعه را تهدید

نمایشی خواهد شد. باید به تایی

قطعی این تحولات چشم دوخت

و در تعقیق و تسریع و مراقبت از

نتایج آن کوش و هوشیار بود.

وی در ادامه طرح می‌کند:

امروز همه از ضرورت آزادی

و حاکمیت قانون را می‌گویند

و حرف درستی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

نشریه میهن مبنی بر آنکه «کم

نیستند کسانی که می‌گویند آقای

سید محمد خاتمی بیش از حد

محاطانه و دست به سوال

قدرت آنان افزوده می شد به
مخالف برخاستند. روز ۲۰
سپتامبر ۱۹۶۵ با به قتل رسیدن
ع نژال ارش، ژئال سوھارتو
دست به کودتا زد و سکارانو را
در خانه اش زندانی نمود. وی این
قتل را به گردن کمونیست ها
انداخت و با سکوب چنایکارانه
آن را منجر به قتل صدها هزار
نفر گردید حکومت خود را ثبیت
نمود. ژئال سوھارتو بعنوان
فردی ضد کمونیست طی
سال حکومت خود همواره از
پشتیبانی های بسیاری غرب
برخودار بود.

درسن های اندونزی رفتن سوھارتو به معنای شکست مدل توسعه آسیایی است. سیاست پر این باورند که بدون دمکراسی نهادینه و با دیکتاتور خیرخواه «می شود به توسعه دست یافت. بالا رفتن داشت سطح سوار و آگاهی مردم و در نتیجه آن تبلور روپوهای مختلف اجتماعی و سیاسی یک بار دیگر ازوم رعایت این قانون ابدی سیاست یعنی تقسیم قدرت، دمکراسی و مدنیت را به اثبات رسانید.

روشد اقتصادی اندونزی تا سال ۱۹۹۶ معادل $\frac{7}{8}$ درصد بود. آن روز که فکرای اندونزی به فروشگاه‌ها هجوم برداشتند و سهم خود را از پیشرفت و توسعه اقتصادی بدوزور گرفتند، پیش از هر زمان دیگر اثبات گردید که توسعه با ثبات بدون عدالت اجتماعی بی معنی است.

سوھارتو رفت اما این تازه آغاز راه برای اندونزی است. ■

سوءاستفاده از عدم وجود تعرفه‌های کارگری و قوانین کار در کشورهای جهان سوم از نیروی کار «ازدان» این کشورها بیرون می‌پرند. برای مقابله با این امر از طرف سازمانهای غیر دولتی نعال در امر توسعه، جنبش لباس‌های تعییز تدارک دیده شده است. تجربه نشان داده که با پایکوت شرکت‌های فرامیلتی هچ تغییری در اوضاع موجود نمی‌آید. هدف اصلی سازمانهای توسعه به تصویب رسانیدن «کنوانسیون اجتماعی تجارت الیسه» توسط سازمان جهانی کار «IO» می‌باشد. هدف این کنوانسیون از یک سو رعایت استانداردهای بین‌المللی اینمنی و ساعات کار، آزادی سنديگاهها و تعرفه‌های کارگری، منمنع نمودن کار کودکان در جهان سوم می‌باشد. از سوی دیگر تعهد فروشگاههای زنجیره‌ای و اوارکنندگان این کالاهای در قبال «تمیز» بودن آن است.

Verleger: I.G.e.v.

I.G.e.v درس:
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

I.G.e.v	دارنده حساب:
22 44 20 32	شماره حساب:
37 05 01 98	کد بانک:
Stadtsparkasse Köln	نام بانک:
Germany	

چهارشنبه ۶ خرداد ۱۳۷۷ - ۲۷ مه ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۸۳
 KAR. No. 183 Wednesday 27. May. 1998

مردم اندونزی سوهارتو را
مجبور به برکناری کردند

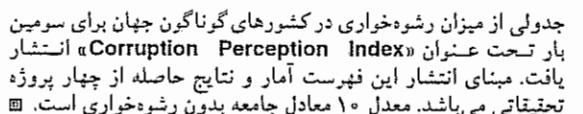


و در آن اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف وجود دارند. سوکارنو سعی نمود «دموکراسی هدایت شده» را به جای «دموکراسی مستقیم» گامیه عمل پوشاند. وی با «انتساب» نمایندگان مجلس از اقوام و احزاب گوناگون سعی نمود به مناقشات و اختلافات بین احزاب اسلامی و دولت سیکولار و گروه‌های دیگر اندونزی پایان دهد. هنگامی که سال ۱۹۶۴ کمونیست‌ها نیز در دولت سیم شدند، نظامیان که هر روز بر سازمان ملل دولت هلند ناچار با حکومتی بنام اتحادیه اندونزی موافقت کردند. سوکارنو سال ۱۹۴۹ فرم حکومتی فدرالیستی را که در قرابوداد معروف بود «لینگجیاتی» که در سال ۱۹۴۷ با هلند به امضا رسیده بود، به کنار نیټاد. در انتخابات مجلس مؤسسان سال ۱۹۵۵ سه نیروی اصلی این کشور یعنی کمونیست‌ها، ملی‌گرایان و احزاب اسلامی تبلور یافتند. از آنجایی که کشور اندونزی از جزیره تشکیل شده ۱۳۰۰۰

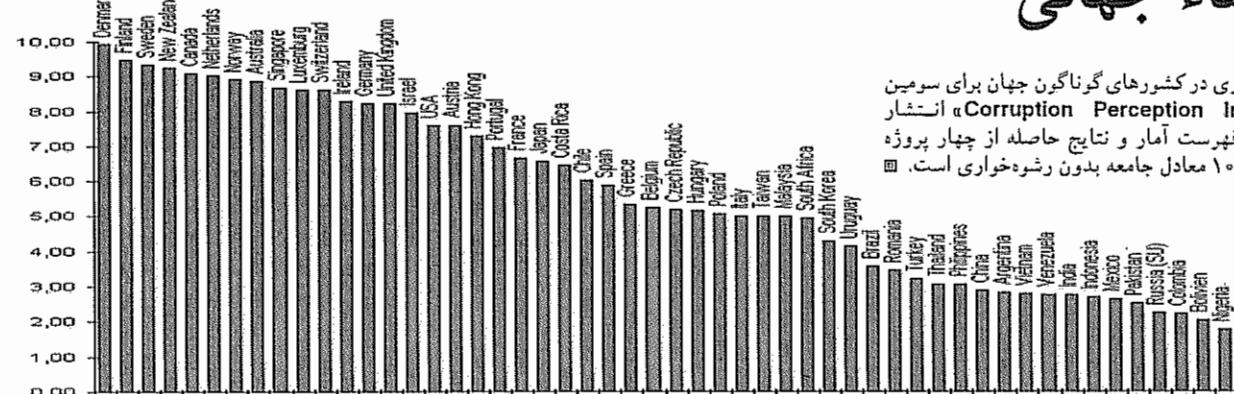
هلند قیام نمودند. در سال ۱۹۲۰ رفتهای اقتصادی و دمکراتیزه کردن جامعه اندونزی را به مردم داد. اما عملکرد ارتش به فرماندهای ژنرال ویراست و اسلامیت‌های این کشور در روزها و ماهیات آتی از اهمیت بسیاری برخوردار خواهد بود.

راه طولانی آزادی!

ارتشاء جهانی



سوء
قصد
به
جان
رئیس
انجمن
حقوق
بشر
تکه



سفر (جین)

با دستمزدهای نازل (هفتگی ۲۴۰ پرتوی فیلیپین پرایر با ۳۳ مارک المان و یا ۱/۳۳ دلار آمریکا) و ساعت کار روزانه بین ۱۰ الی ۱۲ ساعت دوخته می‌شوند. مدل و فرم برش آن قیلاً توسط فاکس یا «مودم» به آن کشور ارسال گردیده است.

● «جین» دوخته شده برای طی مراحل نهایی کار و کنترل بر روی آن به یونان ارسال و از آنجا توسط کشتی، قطار و کامیون راهی بازارهای جهانی می‌گردد. جین در این سفر تنها نیست. بسیاری از مصنوعات در دهکده جهانی همین راه را طی نمایند. به همین خاطر هم بر روی بسیاری از مصنوعات بجای maed in که نشانه تولید ملی maedby می‌بود، مدتی است که بجای گرفته است.

شرکت‌های فرامالی با



در تاریخ بشریت تا کنون
بی سابقه بوده است که پوشانکی
این چنین جهانی شده باشد.
شلوار، کاپشن و پیراهن «جن»
در زنگ‌ها و اندازه‌ها و
مارک‌های مختلف در سراسر
پسند قاره جهان جایگزین
لباس‌های محلی شده است. چنین
در دنیای مدرن امروز به عنوان
سمبل جوانی، تحرک، دوام و
راحتی است. این پوشانک بر
خلاف سایر ایسه که بر اثر
رنتگن رنگ و پاره‌گی کهنه
محسوب می‌شوند حتی کهنه‌اش
نیز «مد روز» می‌گردد و بقول
«استارت هال» رئیس انجمن
مطالعات اجتماعی انگلیس
«انیفورم کاپیتلایسم» است.
بر اساس محاسبات
متخصصین امور توسعه، برای
تولید ارزان این پوشانک در
«دکده جهانی» مسافتی معادل
۱۹۰۰۰ کیلومتر طی می‌شود:
● پسنه کازاخستان و یا
هندوستان به چین فرستاده